



نتایج انتخابات و اولین خطابه رئیس جمهور!

چرا نزدیک به چهل درصد مردم یعنی هشت میلیون نفر
از واجدین شرایط در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نکردند؟

اگر تعداد رای دهندگان را همانگونه که دولت فعلا اعلام کرده است، ۲۲ میلیون در نظر بگیریم معلوم می شود که ۴۰٪ از مردم یعنی ۸ میلیون تن از واجدین	شرایط در انتخابات شرکت نکرده اند. اینها چه کسانی بوده اند؟ کاملا روشن است. خلق کرد، خلق ترکمن و سایر خلق های ایران و میلیون ها تن از دیگر هم میهنان ما در	انتخابات شرکت نداشته اند. مردمی که در انتخابات شرکت نکرده اند کسانی هستند که قانون اساسی فعلا اراده آنها را نادیده گرفته است. بقیه در صفحه ۶
--	--	---

نکاتی پیرامون

برنامه و سیاست مجاهدین خلق ایران

چرا پشتیبانی ما از برنامه مجاهدین خلق مشروط بود؟

در مبارزه اسخباتی. ریاست جمهوری ایران نیروهای مختلف و هر یک از کاندیداها برنامه خود را مطرح ساختند تا سوده مردم	با قضاوت درباره آنچه که یک کاندیدا تعهد می کند. انجام دهد، چه برنامه دقیق تری از خط مشی و سمت گیری کاندیداها به دست	آورد. و نیروهای سیاسی بتوانند موضع خود را نسبت به آن مشخص سازند. بقیه در صفحه ۱۴
---	---	--

کارگران صنایع فولاد اهواز قاطع و پولادین علیه امپریالیسم

* قائم مقام فعالی پروژه فاسترویلر تهران جنوب، کوشش کارگران مبارز را
برای بالابردن آگاهی خود و متشکل ساختن طبقه کارگر ایران را که شرط
ضروری پیروزی بر امپریالیسم است را "خرابکاری" و "حرکات صدامتقلابی"
می نامد
در صفحه ۸

"وحدت کلمه" و وحدت عمل

شورای انقلاب با امپریالیسم آمریکا

شرکت جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس اسلامی پاکستان "باردیگر ماهیت "شورای انقلاب" را به نمایش گذاشت. و برای دیر باورترین کسان نیز، این حقیقت را که "شورای انقلاب اسلامی" در اختیار سرمایه داران لیبرال ایران است، حداقل مطرح نمود.

هدف از "کنفرانس اسلامی پاکستان" که به دستور امپریالیسم آمریکا و با شرکت همداستان و نوکران امپریالیسم مثل ملک حسین، ملک خالد، صدام حسین سلطان قابوس، ضیاء الحق و امثالهم تشکیل شده است تشکیل جبهه نیروها و رژیم های ارتجاعی دست نشانده امپریالیسم آمریکا در منطقه است که می باید به جای اتحاد مرده "سنتو" وظیفه سرکوب جنبش های ضد امپریالیستی و ترقیخواه در منطقه را برعهده گیرد.

سیاست خارجی نمی تواند از سیاست داخلی جدا و غیر قابل ارتباط توصیف شود. در حقیقت سیاست شرکت در "کنفرانس اسلامی پاکستان" ادامه سیاست های داخلی است که شورای انقلاب که همان دولت بازگان با نامی دیگر است از آغاز قیام تاکنون در پیش گرفته است. بازگان ها بهشتی ها، رفسنجانی ها در زمینه سیاست داخلی، سیاست سرکوب نیروهای انقلابی، تخریب دستاوردهای انقلاب، دعوت از سرمایه داران وابسته و ابقای قرارداد های اسارت بار امپریالیستی را به پیش راندند، در زمینه سیاست خارجی نیز نمی توانند طالب تشکیل بلوک های سیاسی ارتجاعی برای سرکوب جنبش های ضد امپریالیستی و ترقیخواه منطقه نباشند.

آنها که همیشه کوشیده اند، نیروی انقلابی توده ها را مهار کنند، تا آنجا که می توانند از هیچ کوششی برای منحرف ساختن مبارزه مردم علیه امپریالیسم آمریکا کوتاه نمی آیند. سرمایه داران لیبرال که در شرایط کنونی مهمترین پایگاه امپریالیسم آمریکا در میهن ما هستند از قیام تاکنون برای ابقای سلطه امپریالیسم آمریکا در میهن ما کوشش کرده اند. شرکت در "کنفرانس اسلامی پاکستان" این مسئله را آشکار می کند که چه پیوند استوار بین سرمایه داران لیبرال با امپریالیسم آمریکا و دولت های دست نشانده منطقه وجود دارد.

* برای روشن تر شدن این مطلب به مقاله "شورای انقلاب"، وزارت کشور با کمک های ۴۰ میلیون تومانی، ضد انقلاب را در افغانستان تقویت می کند" مراجعه کنید. (در صفحه ۲)

در این شماره:

نقدی پیرامون مقاله

"آگو نو میسم و آنارشیسم در حرف دشمن یکدیگرند"

و در عمل دست یکدیگر را می فشارند

در صفحه ۱۲

شورای انقلاب ماهیت ضد کارگری خود را نشان داد

در صفحه ۵

نخستین سالگرد قیام خلقهای قهرمان ایران

دهمین سالروز حماسه سياهگل

تولد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

را در سراسر میهن

هر چه باشکوهتر برگزار کنیم

گسترده باد همگامی و همکاری همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دیمکراتیک مبارزه میکنند

وقتی که خلق بداند

هر قطره خون تو محراب می شود

وقتی مردم مهاجمین را فراری می دهند با دهن خونین و پیراهن پاره از جا بلند می شود سرش گیج می رود. پیرمردی گیف او را به دستش می دهد. رنگ پاش را توی جوی آب پیدا می کند. برمی گردد و شعار را تکمیل می کند.

راه می افتد وقتی می رسد سر قرار ده دقیقه دیر شده. رفیق به او نگاه می کند. دستش را می فشرده اعلامیه را به دستش می دهد. او چپب پاره اش را جستجو می کند. "رفیق، پونز در ریال پول ماشین پیدا دوادم" سکه ها خونین است رفیق به او خیره نگاه میکند که پابسته اعلامیه به سرعت از عرض خیابان می گذرد.

"وقتی که خلق بداند هر قطره خون تو محراب می شود"

به سرگردگی..... کسی دستش را می گیرد. به سرعت برمی گردد. خند نفر محاصره اش کرده اند همه ریش دارند. همه کلاه دارند. همه انگشتر دارند. همه دندان قروچه می روند با هم می پرسند "برای کی شعار می نوشتی؟" "به شمار بی نداداره،"

سانسورچی هستید یا ساواکی؟ یکی شان جواب می دهد: "هم سانسورچی، هم ساواکی، هم سیاهی، هم دشمن دزجه یک فدائی" می گویند: "مرگ بر فدائی" پاسخ می دهد: "مرگ بر امپریالیسم و مزدورانش" چند نفری به او حمله می کنند. با مشت و زنجیر و چوب چوب را از دست یکی از مهاجمین می گیرد، مشتت به یکی از مهاجمین می کوبد و...

زنگ آخربه صدا در می آید کبفش را برمی دارد و به سرعت از حیاط می گذرد و پا به خیابان می گذارد. خیابان شلوغ است و سرعت ماشین ها کم. حساب می کند. "باتا کسی برم زود تر می رسم یا پیاده؟" پیاده راه می افتد.

"ده دقیقه وقت دارم می رسم. پونز در ریال پول ماشین رو هم رد می کنم برای سازمان." از عرض خیابان می گذرد، وارد پیاده روی می شود. دیوارها پوشیده است از شعار، میان شعارها دنبال سازمان می گردد. پیش از آنکه شعار دلخواه را پیدا کند جای مناسبی برای شعار نویسی می یابد، قدم ها را آهسته می کند. اطراف را می باید رنگ پاش را از کیف مدرسه اش بیرون می آورد و می نویسد. "مرگ بر امپریالیسم جهانی"



سلامتی آیت الله خمینی را آرزو می کنیم

حیر بیماری آیت الله خمینی مردم مین ما را در اندوه و ناخوشی عمیق فرو برده است. عناصر وابسته به امپریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران که اکنون در شورای انقلاب، ارتش و دستگاه لبرال گرد آمده اند، این فرصت را نیز غنیمت شمرده و برای صفا کامل قدرت و تحکیم سلطه امپریالیسم امریکا آماده می شوند. امپریالیسم امریکا، دوستان و جاسوسان آن و همه احزاب و محافل سرمایه داران لبرال در میان کسانی که حکومت را در دست دارند، قبل از همه بسا آیت الله خمینی، دشمن است. از همین روایت که بیماری ایشان بویژه در شرایطی که مبارزات ضد امپریالیستی نوده های مین ما اوج تازه ای گرفته است، موجب شادمانی دشمنان خلق ایران و تکراری مردم مین ما و کلیه انقلابیون کومینست و دیگر نیروهای مار و ضد امپریالیست گردیده است. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران صحت تاکید بر ضرورت وحدت همه نیروهای مار و ضد امپریالیست با اعلامیه کومینست که تمام توان خود را برای درهم شکستن صفا ضد خلقی سرمایه داران لبرال و امپریالیستهای حامی آن به کار گرفته اند، بهبودی هرچه سریع تر بر آیت الله خمینی را آرزو می کند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
جمعه ۵ بهمن ۱۳۵۸

الف: ۷۵

شورای انقلاب، وزارت کشور، با کمکهای ۴ میلیون تومانی ضد انقلاب را در افغانستان تقویت میکند

"وحدت کلمه" و وحدت عمل شورای انقلاب با امپریالیسم امریکا

در شرایطی که مردم زحمتکش مین ما بیشترین فشارهای اقتصادی را تحمل می کنند شورای انقلاب، وزارت کشور و سازمان برنامه بودجه تحت عنوان کک به "پناهندگان مسلمان افغانی" میلیونها تومان از ثروت کشور را خرج ضدانقلاب در افغانستان می کنند.

شورای انقلاب اسلامی ایران
وزارت کشور
مجلس شورای اسلامی

شورای انقلاب اسلامی ایران
وزارت کشور
مجلس شورای اسلامی

شورای انقلاب اسلامی ایران
وزارت کشور
مجلس شورای اسلامی

شورای انقلاب اسلامی ایران
وزارت کشور
مجلس شورای اسلامی

شورای انقلاب اسلامی ایران
وزارت کشور
مجلس شورای اسلامی

شورای انقلاب اسلامی ایران
وزارت کشور
مجلس شورای اسلامی

نشان می دهد چگونه شورای انقلاب و وزارت کشور با بیانه قرارداد دفاع از اسلام، ۴۰ میلیون تومان در اختیار افغان های مرتجع قرار داده اند. چرا شورای انقلاب و وزارت کشور چنین هزینه های گزافی را به مردم زحمتکش مین ما تحمیل می کنند؟ چرا سازمان برنامه چنین بودجه ای را تامین می کند؟ امروز همه می دانند که در پاکستان، امپریالیسم امریکا با ایجاد پایگاه های نظامی، ایادی فتودال ها و دار و دسته محمد ظاهر شاه و داود خان را آموزش می دهد تا بنام "نهضت اسلامی افغانستان" بساط غارتگری فتودال ها و تاج و تخت محمد ظاهر شاه و داود خان را مجددا راه بیاورند. مردم ما از خود می پرسند، چطور شد امپریالیسم امریکا و مقامات ایرانی، در سبزه افغانستان "وحدت کلمه" و "وحدت عمل" پیدا کرده اند؟ مردم ما کمک های میلیونی شاه سابق را به داود خان این دست نشانده امپریالیسم امریکا را بیاد دارند. آیا این کمک ها ادامه همان کک ها است؟

می دانیم، گرانی بیسداد می کند، گوشت نایاب است، تخم مرغ پیدا نمی شود، صفا مردم برای خریدن نان از صفا اتوبوس های شرکت واحد هم دراز تر شده است، اما هنوز کسی خم به ابرو نمی آورد، مردم انقلاب کرده اند و انتظار می کشند، شاید کارها درست شود، شاید شورای هابرترف شود. در این شرایط، شورای انقلاب از دستزد کارگران می زند، حقوق کارمندان را کسر می کند، تا مخارج ضد انقلاب را در افغانستان تامین کند و میلیون ها تومان پول مردم زحمتکش مین ما را به جیب فتودال های افغانی و دار و دسته فراری ظاهر شاه و داود خان بریزد و آنها را مسلح کند تا در کشور خود جنگ داخلی راه اندازند. گویا رفسنجانی، وزیر کشور و عضو برجسته شورای انقلاب از هیچ کوششی برای خدمت به امپریالیسم کوتاهی نمی کند. رفسنجانی و دیگر پارانشی در شورای انقلاب پس از مسلح کردن فتودال ها و عناصر ضد انقلاب سیستان، بلوچستان و فارس به فکر تقویت ضد انقلابیون افغانی افتاده است. در زیرسدهای داریم که

نظام سرمایه داری وابسته باید نابود شود

نقدی پیرامون مقاله "اکونومیسم و آنارشیزم"

بقیما ز صفحه ۱۲

شورای سرپرستی دستاورد تازه مبارزات کارگران شوفاژکار

به دنبال مبارزه کارگران شوفاژکار برای اصلاح طرح طبقه بندی مشاغل و گرفتن سودویژه... کارگران از شورای کارخانه می خواهند که چهار نفر از کسائی را که آلت دست کارفرما هستند اخراج نماید.

مدیران و سرپرستان و جاسوسان کارفرما در مقابل خواست انقلابی کارگران ایستادگی می کنند و در وزارت کار تحمیل می کنند.

کارگران در غیبت مدیران، سرپرستان، کارمندان و هم چنین عده ای از کارگران فنی که فریب کارفرما را خورده بودند، برای اینکه جریان تولید بدون وقفه ادامه یابد، شورای سرپرستی برای اداره امور قسمت ها تشکیل دادند و با شور و اشتیاق فراوانی قسمت های مختلف کارخانه را اداره کردند.

کارفرما و سرمایه گذار کارخانه برای مقابله با اقدام انقلابی کارگران، هیئتی را تدارک می بیند. ترکیب هیئت طوری انتخاب شده بود که بتواند روی اعتقادات مذهبی کارگران اثر گذاشته و قضا را از این طریق به سود کارفرما و سرمایه گذار فیصله دهد.

هیئت مزبور مرکب بود از رضائی، چند نفر از حاجی ها و یک نفر معمم! در جلسه ای که با حضور نمایندگان متحصنین و شورا با هیئت تشکیل شد، هیئت و همه افراد آن جانب کارفرما و سرمایه گذار را گرفت. هیئت کارگران را به دلیل مبارزه حق طلبانه شان مورد اهانست قرار داده و اخراج عده ای از مبارزترین و آگاهترین کارگران کارخانه شوفاژکار را در دستور کار خویش قرار می دهد.

هیئت با دفاع از حاجی باا، سرمایه گذار کارخانه که از دوستان نزدیک بازرگان و امیر انتظام است، نشان داد که چگونه از منافع طبقه سرمایه دار ایران دفاع می کند و همه هیاهوی افراد آن در دفاع از کارگران تنها برای عوامفریبی است.

حرده بورژوازی با دشمن مشترک به معاشات می نشیند و یا علیه پرولتاریا وارد عمل می شود با مخالفت پرولتاریا روبرو می شود. این امرت مفهوم حمایت مشروط. بنا بر این وقتی حرده بورژوازی با دشمن مشترک مبارزه می کند طبیعی است که مشروط حمایت پرولتاریا قرار می گیرد و این حمایت مشخص، مشروط نیست. مثلا ما نمی توانیم بگوئیم از مبارزه ضد امپریالیستی حرده بورژوازی یا از تسخیر سفارت حمایت مشروط می کنیم ما در گفتار و در کردار از این اقدامات قاطعانه حمایت می کنیم.

"استقلال سیاست های پرولتری نه با نوشتن کلمه "مستقل" در جای خود مشخص می شود و نه با بردن اسم جمهوری. سیاست های پرولتری صرفا با تعیین دقیق راهی حقیقتا مستقل مشخص می گردد و این چیزی است که منشویسم ارائه نمی دهد." (لنین. کلیات آثار جلد ۱۲ صفحه ۵۰۰)

در چنین وضعیتی درستی برنامه سیاسی و قاطعیت و پیگیری پرولتاریائی در پیشبرد آن برنامه و قدرت تشکیلاتی پرولتاریا است که در پراکتیک زنده مبارزه طبقات به نمایش گذاشته می شود و به اعتبار تجارب سیاسی روزمره توده ها، به مثابه نمونه قابل قبول و مورد اعتماد تثبیت می گردد. زیرا با برنامه های نمایندگان سیاسی حرده بورژوازی و تاکتیک نقشه های آنان که نمی توانند فراتر از محدود تنگ طبقاتی خود با مسائل روبرو شوند مقایسه می گردد و از آنجا که مطالبات عینی جامعه، راه حل های سیاسی را می طلبد که حرده بورژوازی قادر نیست آنها را ارائه دهد در تجربه سیاسی توده های وسیع پرولتر و غیر پرولتر به شکل نفی رهبری حرده بورژوازی و پذیرش رهبری پرولتاریائی انعکاس می یابد و با تکیه بر نیروی مادی و میلیونی توده ها که اینک زیر پرچم سازمان سیاسی طبقه کارگر گرد آمده اند، احزاب و محافل و شخصیت های سیاسی متعلق به حرده بورژوازی و اادار به پذیرش و تمکین برنامه های طبقه کارگر می شوند.

بر اساس تجارب سیاسی توده های وسیع حرده بورژوازی قدرت نفوذ و استقلال می یابد. سیاست مستقل پرولتاریائی تنها و تنها در صورت شرکت فعال، انقلابیون در مبارزات بطور عینی در حال گسترش و از طریق ارائه راه حل های مشخص برای مشکلات و مسائل مطروحه در سطح توده ها، قدرت نفوذ می یابد.

زمانی که طبقه کارگر قادر باشد برای معضلات اجتماعی که جامعه با آن درگیر است راه حل های خاص خود را به توده ها ارائه دهد و به آنها فرصت دهد که از طریق تجارب سیاسی خود، صحت آن را، عمل بیازمایند، صبغ مستقل معنی پیدا می کند. ما یک بار دیگر اعلام می داریم که صف مستقل بدون سیاست مستقل و در اینجا اضافه می کنیم که عینیت این سیاست مستقل تنها در گروی این است که توده های میلیونی حرده بورژوا حضور و شرکت فعال طبقه کارگر را در مبارزه علیه دشمنان خود احساس کرده و به آن باور داشته باشد. این برعهده انقلابیون گونیمت است که به توده های حرده بورژوا نشان دهد که رهائی جامعه از سلطه امپریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران در گروی اتحاد آنان با طبقه کارگر است. این برعهده انقلابیون گونیمت است که نشان دهند تنها طبقه کارگر میهن ما "قلب اجتماعی و مغز اجتماعی" است.

زمانی که از حمایت پرولتاریا از حرده بورژوازی بطور کلی و مجرد، بحث میشود باید بر جنبه مشروط و موقتی بودن و تمایز این دو تأکید شود. ناپیگیری حرده بورژوازی و تزلزل آن نسبت به پرولتاریا و موقتی بودن هر حمایتی از آن در چارچوب مراحل استراتژیک انقلاب قابل تأکید بوده و همواره باید ترویج شود. لیکن زمانی که مسئله بطور مشخص مطرح است، مثلا در مبارزه این دو با امپریالیسم و لیبرال ها، مشروط کردن حمایت پرولتاریا از حرده بورژوازی در حالی که علیه امپریالیسم مبارزه می کند ناقص حمایت است.

زمانی که از حمایت پرولتاریا از حرده بورژوازی به مفهوم آن است که وقتی حرده بورژوازی علیه دشمن مشترک مبارزه می کند قرار می گیرد ولی هنگامی که

این مبارزه نیستند. همانگونه که در کار ۲۴ در مقاله بازگشائی دانشگاه ها پیش بینی کرده بودیم، این جریانات با حفظ مواضع کنونی هرگز به نیروی توده ای تبدیل نشده و زیر فشار عینیت مبارزه طبقاتی تجزیه خواهند شد. اگر "حزب توده" با پنهان کردن گرایشات غیر دمکراتیک و سرکوبگرانه و ارتجاعی حرده بورژوازی، با تحریف و لاپوشانی حقایق مربوط به مبارزه بورژوازی با پرولتاریا و با تلاش در جهت یکسان جلوه دادن سیاست پرولتاریا با سیاست حرده بورژوازی در مبارزه طبقاتی میهن ما بر تمایزات پرولتاریا و حرده بورژوازی سایه انداخته و آن را مخدوش می سازد، اکونومیست ها و آنارشیزم ها نیز با یکی گرفتن حرده بورژوازی و طبقه کارگر در عمل به همان سیاست در غلطیده و مانع از به نمایش گذاردن تمایزات طبقاتی پرولتاریا و سیاست های آن خواهند بود.

همچنانکه مبنای اصلی مبارزه پرولتاریا با حرده بورژوازی، روی بر تافتن او از مبارزه با دشمن مشترک و مقابله با جنبش پرولتاریائی است.

نکته مهم این است که وحدت حرده بورژوازی با پرولتاریا در مبارزه پرولتاریا با آن مفهوم می یابد. این به معنی آن است که اساس هرگونه حمایتی از حرده بورژوازی بر حفظ استقلال سیاسی و ایدئولوژیک پرولتاریا استوار است. هر حمایت پرولتاریائی به معنی معرفی و توضیح سیاست مستقل خود است.

تنها با چنین شرطی است که بلوک تاریخی - طبقاتی خلق، پر خروش و پرتوان علیه امپریالیسم باقی می ماند. و دمکراسیم پیگیر پرولتاریا، در مواجهه با دمکراسیم ناپیگیر حرده بورژوازی تزلزل و درخندگی، می یابد و

کنار سرمایه داری وابسته قرار دارند و چه اکونومیست ها و آنارشیزم ها، گرایش حرده بورژوازی به سازش با بورژوازی را، که بازتاب موقعیت طبقاتی حرده بورژوازی است، وحدت بدون تضاد با بورژوازی می پندارند و به ناچار مجبورند علیه اعتقاد صوری شان به انقلاب دمکراتیک - سوسیالیستی حرده بورژوازی را در بلوک ضد انقلاب قرار دهند و طبقه کارگر را با دور کردن از متحدین خود به انزوا سیاسی مهلکی سوق دهند. آنها در عمل به تضعیف جنبه برای تحکیم سلطه امپریالیسم فراهم می آورند.

اکونومیسم و آنارشیزم نه تنها مبارزه طبقاتی را بطور قانونمند درک نمی کند بلکه اصولا از دیدن مبارزه طبقاتی بطور عینی در حال گسترش ناتوان است و قادر نیست بطور عملی از موضع م - ل پدیده ها را بررسی کند. آنها وقتی می بینند حرده بورژوازی و نمایندگان سیاسی آن، سیاستی ارتجاعی در پیش می گیرند و به سرکوب کارگران و زحمتکشان می پردازند تعجب کرده و باور نمی کنند که حرده بورژوازی، ناپیگیر و پرنوسان و متزلزل است. در تئوری و عمل آنها تنها یک چیز وجود دارد. توهمی از "پرولتاریائی که در واقعیت هیچ ربطی با پرولتاریا ندارد.

آنها در گفتار موجودیت تاریخی و طبقاتی حرده بورژوازی را می پذیرند لیکن در عمل حرده بورژوازی ناپیگیر، متزلزل و پرنوسان را همان پرولتاریائی می شناسند. تا به آخر انقلابی می شناسند. آنها از حرده بورژوازی همان را طلب می کنند که برای پرولتاریائی مجهز به آگاهیه و شعور طبقاتی قائلند. بنابراین با ناباوری به مبارزات ضد امپریالیستی حرده بورژوازی نگاه می کنند. فی المثل اشغال سفارت را توطئه و ضد امپریالیست بودن حرده بورژوازی و جناح سیاسی آن در حاکمیت را دروغین می دانند و طبیعی است که حمایت از مبارزات آن را نیز نپذیرند.

برای این جریان ها کیفیت حمایت پرولتاریا از مبارزه حرده بورژوازی و نمایندگان سیاسی آن علیه امپریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران مطرح نیست چون در عمل قائل به

فدائیان خلق در زندان جمهوری اسلامی

در شماره گزارشی یکی از فدائیان خلق را که از زندان اوین آزاد شده بود، درج کردیم. در این شماره گزارشی یکی دیگر از بازداشت شدگان را به چاپ می‌رسانیم تا مردم میهن ما از آنچه کشته در زندان‌های جمهوری اسلامی بر انقلابیون می‌گذرد، آگاهی یابند.

در دوران قیام مانند اغلب اهالی محصل در راهیمائی‌ها شرکت می‌کردم و با جوانان محل دورهم جمع می‌شدیم و بحث می‌کردیم در تمام مبارزات شرکت کردیم و چون در روزهای ۲۲ و ۲۱ بهمن با علاقه در حمله به پادگان‌ها هر طور که می‌توانستیم در دستمان برمی‌آمد کوتاهی نکردیم و بیشتر به همیمن دلیل توکوچه سرشناس شدیم و فکرمی‌کنم بعضی از اهالی محل که دل خوشی از ما ندارند و با پاسداران ارتباط دارند، مرا به عنوان چپ معرفی کردند و از همیمن جدا متوجه شدم که منزل ما مکرراً تحت نظرمی‌باشد. یک روز که به منزل رفتم، دیدم که پاسداران در خانه مان منتظر من هستند. یک ورقه ما مورست هم داشتند. قبل از رسیدن

من تمام خانه را زیر و رو کرده و همه جا را گشته بودم. تعدادی عکس و اعلامیه را نیز برداشتند و مرا به داخل اتوموبیلی بردند. پاسدار مسلح سرشناس اتوموبیل بودند. سردسته آنها گفت: "به اداره چهارم برویم" در راه شروع به فحش دادن به فدائیان کردند. چشم‌هایم را بستند ولی فهمیدم که به در ورودی سلطنت آباد رسیده‌ایم. بعد از مدتی گفتند: "بروید اداره پانجم" دوباره حرکت کردیم به پادگانی رسیدیم که بعد فهمیدم عشرت آباد است. به اتاقی رفتیم بعد از باز دید بدنی دستم را از پشت با بستند بستند و پس از بستن چشم‌هایم مرا به سلولول انداختند و رفتند. تا صبح با همان وضع ماندم. صبح آمدند سراغم. با چشم بسته مرا بردند وسط پادگان، چشم‌هایم را باز کردند. دوست سلولول انفرادی و دوزندان عمومی در آنجا بود که تازه ساخته بودند برخلاف روز قبل در اینجا پاسدار هاشمی یک کلمه

نوهین آمیز بد زبان نیاوردند. این‌ها بسیار آدم‌های ساده و صادقی بودند که ذهن آنها را شدیداً نسبت به نیروهای چپ و سایر نیروهای انقلابی بدبین کرده بودند و آرزوهای خوبی داشتند و می‌خواستند به این آرزوها برسند و از اینکه ما را دستگیر کنند، راضی نبودند. تا پنج روز هر شب دست‌هایم را بستند می‌زدند و روز دوم یک بازجو آمد که صورتش را ندیدم چون خودش را پوشانده بود. وارد سلول شد و چند سؤال را که روی کاغذ نوشته بود، به من داد و رفت. "اسم برادران و خواهران و دوستان خود را بنویسید. به چه کشورهایی مسافرت کرده‌اید؟ با کی به مسافرت رفته‌اید؟ نظرتان راجع به انقلاب ایران چیست؟ نظرتان راجع به کمیته‌ها و سپاه پاسداران چیست؟ عضو چه گروه، سازمان و یا حزبی هستید؟ از برادران و دوستان چه کسانی عضو حزب یا گروهی هستید؟ هوادار چه گروه یا حزبی

هستید؟ آیا در جریان قیام اسلحه به دست آوردید؟ آیا برادران و دوستان اسلحه دارند؟ نظرتان راجع به روحانیت چگونه است؟ راجع به دانشجویان خط امام چطور فکر می‌کنی؟ نظرتان راجع به افشاکگری آنها چطور است؟ هفته پیش کجا بودید؟ با چه کسانی بوده‌اید، چه کار کرده‌اید و چه صحبت‌های رد و بدل شد؟" و از این سؤال‌ها در روز اول و روزهای بعد کاغذ بازجویی را از سوراخ سلول به ما می‌دادند. بعد از این بازجویی‌ها سراغم نیامدند. در سلول مجاور یک بلوچ بود و زندان مجاور هم چند نفر از بلوچستان آورده بودند که بلا تکلیف بودند. از قرار معلوم آنجا زندان موقت بود پس از تشکیل پرونده از آنجا به اوین می‌فرستند. روز هشتم اعتصاب غذا کردم که چرا به وضع من رسیدگی نمی‌شود. بعد از چهار روز بازجو آمد ولی نتوانست با سلطنت آباد تماس بگیرد

روز شانزدهم از اطاق بازجویی تکان نخوردم و فشار آوردم که وضع را معلوم کنند ولی کسی پیدا نشد تا پرونده مرا مطالعه و رسیدگی کند. به نظرمی‌رسد کمیته تحقیق در سلطنت آباد مستقر است و مرکب از همیمن پاسداران می‌باشد. بالاخره یک بازجو که جوان بیست و دو ساله‌ای به نظرمی‌رسید، آمد و قبول داد که تا آخر هفته به وضع من رسیدگی کند. در همین فاصله آنها دوتن از دوستانم را نیز بازداشت کردند. و پس از چند روز بازجویی آنها را آزاد کردند اما این بازجو غیب شد. هر چه به مرکز سلطنت آباد تلفن شد کسی از وضع من خبر نداشت. سرانجام شخصی بنام "اصغر وصالی" که به فدائیان فحش می‌داد و دروغ‌های عجیب و غریبی می‌گفت، از من بازجویی کرد. بعد از مدتی، به اتفاق یکی از پاسداران به ستاد عملیات رفتیم. پاسدار همراه گفت: "من با ضمانت خودم ترا آزاد می‌کنم و فقط تعهدیده‌هر وقت سپاه ترا خواست، حاضر شوی." و من هم تعهد دادم و بیرون آمدم.

"آرینه اندان" (سالروز تأسیس جمهوری خود مختار کردستان) تجربه‌ای که از آن باید آموخت

دوم بهمن ماه، سالروز تأسیس جمهوری خود مختار کردستان بود.

۳۴ سال پیش در این روز پس از سالها مبارزه با رژیم دست نشانده امپریالیسم، نخستین جمهوری خود مختار کردستان تأسیس شد. تجربه نخستین جمهوری خود مختار کردستان، نشان داد که چگونه مبارزه خلق کرد، هرگاه با جنبش رهائی‌بخش خلقهای سراسر ایران پیوند نیابد و بروحدت خلقهای ایران در چهارچوب ایرانی آزاد و دمکراتیک نکند، نمی‌تواند به پیروزی دست یابد. امروز انقلابیون کردستان، بر این نکته تأکید دارند که مبارزه خلق کرد برای رهائی از سلطه امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته به آن، جزئی جدا نشدنی از مبارزه خلقهای سراسر ایران برای نابودی سلطه امپریالیسم و طبقه سرمایه‌دار وابسته به آن می‌باشد. امروز، امپریالیسم تنگ نظران بورژوازی حای خود را به اعتقاد عمیق زحمتکشان کردستان به پیوند با زحمتکشان سراسر ایران داده است. این تجربه بزرگ "آرینه اندان" که آرمان کوبی خلق کرد است، هر بار نیرومندتر از پیش از زبان فرمانانی چون

شریف‌زاده، معینی، ملا آواره و هزاران شهید دیگر به گوش جهانیان رسیده است. امروز خلق کرد، در راه آرمان زحمتکشان سراسر ایران مبارزه می‌کند. امروز آرمان خلق کرد، از آرمان خلقهای سراسر میهن ما جدا نیست. کردستان خود مختار با نظام شورائی، در چهارچوب ایرانی آزاد و دمکراتیک گام بلندی است که خلق کرد برای رهائی برمی‌دارد. سازمان ما، با پر فروغ‌ترین امیدها برای خلق قهرمان کرد "آرینه اندان" را گرامی میدارد و بار دیگر بر آموزش های این تجربه بزرگ تأکید می‌ورزد. در مراسم بزرگداشت این روز که با شرکت همه مردم کردستان برگزار شده بود، پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان فرائت شد. در این پیام نکات زیر مورد تأکید قرار گرفت:

۱- طی سالهای طولانی مبارزه، خلق مانحارب سس گرانبهای اندوخته و از هر زمان دیگر نسبت به مافع واقعی خود آگاه‌تر گشته است. مردم ما می‌دانند که تنها از طریق اتحاد و سرسجسی در مبارزه است که می‌توان حقوق

خود را از جنگ مهاجمین و غارتگران بازستاند. ۲- اکنون مبارزه حق طلبانه خلق ما را سازمان‌های سیاسی رهبری می‌کنند. و موجود سازمان‌های سیاسی مترقی و انقلابی در کردستان یکی از عوامل بسیار مهم پیروزی جنبش مقاومت خلق کرد است دشمن همواره تلاش می‌ورزد میان مردم و نیروهای سیاسی تفرقه و جدائی ایجاد کرده و مردم را نسبت به سازمان‌های مبارز و انقلابی بدبین نماید. همچنانکه هیئت ویژه دولت تلاش دارد مردم را از هیئت نمایندگی خلق کرد، جدا کرده و میان نیروهای شرکت کننده در جنبش مقاومت چند دستگی، نفاق ایجاد کند. ۳- امروز تمامی خلق کرد به خاطر کسب حقوق واقعی خویش به یاخاسته است و یکپارچه از اهداف هیئت نمایندگی خلق کرد پشتیبانی می‌کنند. هیچگاه چون امروز مبارزه حق طلبانه خلق ما چنین گسترده و عظیم نبوده است. بدون شک شرکت وسیع کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان کردستان در این مبارزه یکی از شرایط اصلی پیروزی است. ۴- مبارزه افلاخی کارگران دهقانان و سایر زحمتکشان در

سراسر ایران، به خاطر نابودی امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته روز به روز شدت می‌یابد. زحمتکشان می‌خواهند در ایرانسی آزاد، مستقل و به دور از ستمگری سرمایه‌داران غارتگر و زمین‌داران بزرگ زندگی کنند. خلق کرد همانگونه که در سرنگونی رژیم منور شاه همگام و همراه با مردم سراسر ایران شرکت داشت، باید در مبارزه علیه امپریالیسم در حال حاضر نیز نقش واقعی خود را ایفاء کند. زیرا امپریالیسم و سرمایه‌داران و زمین‌داران چپاوانگر مانع اصلی در راه تحقق خود مختاری واقعی خلق کرد می‌باشند. اتحاد کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان کردستان با زحمتکشان سراسر میهن در این مبارزه شرط حتمی پیروزی است. ۵- اکنون در سراسر جهان امپریالیسم جنایتکار امریکای هر روز صریحاً سنگین‌تری از جانب حلقهای تحت ستم و مبارزه انقلابی کارگران تحمل می‌نماید. هر روز کشورها و ملل بسیاری از فند و سدد امپریالیسم رهائی می‌یابند. این سروری‌ها شرایط مساعدی برای سروری هر چه مستر دیکر حلقهای تحت ستم

- گرامی باد خاطرره
- ۲- ریبسه ندان
- مستحکم باد وحدت
- انقلابی کارگران،
- دهقانان و سایر
- زحمتکشان ایران
- مرگ بر امپریالیسم
- امریکا، دشمن اصلی
- خلقهای ایران
- سازمان چریکهای فدائی
- خلق ایران - شاخه
- کردستان - ۲ بهمن ۵۸



شورای انقلاب

ماهیت ضدکارگری خود را نشان داد

دامنه مبارزات کارگران کاهش یافت. اما مشکلات اقتصادی و نابسامانی های اجتماعی و سیاسی عمیق تر از آن بود که این امت موقتی دوامی داشته باشد. این بود که باردیگر با مبارزات اقتصادی و سیاسی کارگران اجرای خواست های انقلابی خود را طلب کردند. ۴ ساعت کار در هفته باریک از طرف کارگران مبارز و آگاه مطرح شد و برای اجرای آن مبارزات پیگیر آغاز گردید. فشار ناشی از مبارزات طبقه کارگر، شورای انقلاب جمهوری اسلامی را برای دومین بار واداشت که در تاریخ هفدهم دی ماه "لایحه برابری ساعات کار کارگران و کارمندان" را تصویب کند. شورای انقلاب اعلام کرد که "ساعات کار در هفته برای کارمندان و کارگران یکسان بوده ۴۰ ساعت در هفته اعلام می گردد.

شنبه: چهارشنبه، روزی ۷ ساعت و پنجشنبه ها ۵ ساعت" هنوز یکی دو روز از اعلام تصویب این لایحه نگذشته بود که شورای انقلاب اعلام کرد: "در پی انتشار خبر مربوط به برابری ساعات کار کارمندان و کارگران که در

از جمله خواست های کارگران مبارز و آگاه ایران از همان دوران قیام کاهش ساعات کار در هفته از ۴۸ ساعت به ۴۰ ساعت بود. خواست غریزی کارگران برای کاستن از شدت بهره کشی سرمایه داران در طی مبارزات آنها به مرور و در پیوند با افشاری و کارمندان سازمان های سیاسی مدافع طبقه کارگر، به تقاضاهای آگاهانه ای برای کسب حقوق اقتصادی و سیاسی ارتقاء یافت و همراه خود گسترش و استواری هر چه بیشتری به مبارزات طبقه کارگر داد.

اواخر مرداد ماه بود که فشار کارگران و اوج گیری مبارزات آنها و حتی اجرای انقلابی "۴۰ ساعت کار در هفته" در بسیاری از کارخانه ها، شورای انقلاب را مجبور کرد که کاهش ساعات کار در هفته را بپذیرد و تصویب آن را اعلام کند. اما هنوز خبر تصویب این قانون به اکثر کارخانه ها نرسیده بود که داریوش فرهر وزیر کار کابینه بازرگان سرسختانه در مقابل اجرای آن ایستاد. موج سرکوبی که از او خرمرداد ماه امسال شروع شد و فشار و خفقان ناشی از آن، موقتا

اخبار کارگری جهان

عظیم ترین اعتصاب یکپارچه کارگران صنایع فولاد انگلستان

سرمایه داران می خواهند ۵۰۰۰۰ کارگر را اخراج کنند و مزدها را ۱۵ درصد کاهش دهند

بیش از ۱۰۰۰/۰۰۰ کارگر صنایع فولاد دست به اعتصاب زده اند. ۹۰۰۰۰ نفر عضو اتحادیه کارگران فولاد با ۱۳/۰۰۰ کارگر عضو اتحادیه کارگران ذوب آهن، تولیدات را در سراسر کارخانجات و کوره های ذوب آهن شرکت انحصاری فولاد انگلستان (بی.اس.سی) خواباندند. در سال گذشته سرمایه داران انگلیسی بیش از ۵٪ فولاد را از کارخانجاتی که کارگران شرکت انحصاری فولاد، تولید می کردند، به چنگ می آوردند (در حدود ۲ میلیون تن). سخنگوی اتحادیه کارگری در این مورد گفت:

به این ترتیب درگیری ها و تصادف های درونی شورای انقلاب به سود سرمایه داران لیبرال پایان گرفت و شورای انقلاب یکبار دیگر ماهیت ضدکارگری خود را به نمایش گذاشت و نشان داد که از منافع چه کسانی جانبداری می کند.

بدون تردید، طبقه کارگر ایران، آگاهانه تر و مصمم تر علیه اقدامات ضدکارگری شورای انقلاب، مبارزات خود را سازمان خواهد داد و برای دستیابی به حقوق صنفی و سیاسی خود از پای نخواهد نشست.

"این نخستین اعتصاب در عرصه ملی در ۲۵ ساله اخیر است که ما اعلام کرده ایم. ما اتحادیه کارگری مسئولی هستیم. ما همیشه مسئول رفتار کرده ایم. هرگاه ما همانگونه مسئولانه و قاطع رفتار کنیم، گلوی سرمایه داران را خواهیم فشرد."

امروز یک کارگر فولاد در هفته دستمزدی معادل ۵۰ پوند دریافت می کند. دو سوم تمام کارگران باید کار شیفتی انجام دهند. بیش از ۵۰۰۰۰ کارگر در سال گذشته مجبور شدند هر هفته ۸ تا ۹ ساعت اضافه کاری کنند.

"ما کاهش خواهد داد. ما آن را قاطعانه رد می کنیم." در نخستین روز اعتصاب غلبه بر هوای سرد و باران صدها بست بگهبانی کارگران اعتصاب کننده کنترل مراکز صنعتی را به دست گرفتند. نگهبانان در تمام ریل های ورودی و خروجی کارخانجات به نگهبانی ایستادند. فقط مستخدمین و کارگران متخصص که تابع قرارداد دیگری با کارفرمایان هستند و هنوز مشغول مذاکره با سرمایه داران در مورد دستمزدشان هستند، اجازه داشتند وارد محوطه کارخانجات شوند.

بلافاصله پس از این اعتصاب بزرگ کارگران صنایع فولاد انگلستان، در اسپانیا، جهانی کارگران فلزات، اتحادیه های کارگران فولاد را در سایر کشورها به پشتیبانی از کارگران فولاد انگلستان فرا خواند. اعتصاب یکپارچه کارگران فولاد انگلستان بی تردید گلوی سرمایه داران انحصارات و دولت انگلستان را خواهد فشرد. دیری نخواهد پایید که کارگران انگلستان با پشتیبانی کارگران سراسر جهان، نظام پالمانس سرمایه داری انحصاری (امپریالیسم انگلیس) را به گورستان روانه خواهند کرد.

کارگران اعلام کردند که به هیچ وجه فولاد از کارخانجات خارج نخواهد شد. دوا اتحادیه کارگری مزبور نگهبانان سراسر کشور اعزام داشته اند تا نه تنها درب های کارخانجات که از شود، بلکه تمام انبارهای فولاد و بنادر حمل و نقل را نیز کنترل کنند. این نگهبانی ها به خاطر این است که کارفرمایان از طریق صدور فولاد و فروش ذخائر فولاد نتوانند اعتصاب کارگران را درهم شکنند. بزرگترین اتحادیه کارگران راه آهن انگلستان و اتحادیه رانندگان لوکوموتیو انگلستان اعلام کردند که از هر نوع حمل

تحصن ۵۰۰ نفری کارگران چوکا

قطعه نامه ۱۴ ماده ای خواستار تصفیه کادر سازمانی مجتمع و رفع هرگونه تبعیض شدند. آخرین خبر رسیده حاکی از آن است که استاندار گیلان با کارگران مجتمع صنایع چوب و کاغذ، چوکا در حال مذاکره پیرامون خواسته هایشان است.

نماینده امام، به منظور رسیدگی به خواست های کارگران، عازم هشترطوالش شدند. بر اساس این گزارش، این گروه از کارگران ضمن اعتراض به عدم پرداخت ماهانه تفاوت دستمزد خود در مجل این مجتمع دست به تحصن زده و با صدور یک

بیش از پنج هزار تن از کارگران چوکا دست از کار کشیدند. بر اساس گزارش های رسیده از زشت، به دنبال تحصن بیش از پنج هزار نفر از کارگران صنایع چوب و کاغذ چوکا، "داوران" استاندار استان گیلان به اتفاتی حجت الاسلام "احسان بخش"

تحصن کارگران دوزندگی ناطمی

- ۱- بیم نمودن کلیه کارگران
- ۲- پرداخت سود ویژه
- ۳- پرداخت کمک هزینه مسکن و حوا...

می کند تا بدین ترتیب کارگران را کارآموز و بعد از آن به کارکنان تبدیل کند. اما اینبار کارگران کارخانه منحد در مقابل این مزدور به مقاومت برمی خیزند و از آنجا که صاحب کارخانه به خواسته های آنان توجهی نمی کند، کارگران تصمیم می گیرند جهت رسیدن به حقوق حقه شان دست به تحصن بزنند. خواسته های کارگران شامل:

کارگران کارخانه دوزندگی ناطمی که در جاده کرج جنب تکنوکار واقع است و حدود ۱۰۰ نفر هستند، مدت ۲۵ روز است که در حال تحصن می باشند. صاحب کارخانه که از وابستگی رژیم سابق بوده و از چاژگی به دربار و داشتن مهر "صداطلاعات" به خود می بالد، سالهاست که ثمره کار کارگران را به حیب می زند (و این در حالی است که کارگران با حداقل دستمزد یعنی ۵۶۷ ریال مشغول کار می باشند). این سرمایه دار مرمی کارگران را اخراج و بجای آنان کارگران جدید استخدام

نتایج انتخابات و اولین خطابه رئیس جمهور

بقیه از صفحه ۱

این ۸ میلیون به خاطر ماهیت ضد دمکراتیک قانون اساسی که حق انتخاب شدن انقلابیون کمونیست را برای ریاست جمهوری سلب کرده است. مصمم بودند در این انتخابات همانگونه که سازمان اعلام کرده بود به مسعود رجوی رای دهند، اما حذف مسعود رجوی سبب شد که اغلب آنها در انتخابات شرکت نکنند.

چرا بنی صدر انتخاب شد؟

در انتخابات ریاست جمهوری حق انتخاب شدن در انحصار کسانی بود که در حاکمیت بودند و همانگونه که می دانیم حکومت و قانون اساسی آنها تنها حق انتخاب شدن را از نمایندگان سیاسی طبقه کارگر یعنی از انقلابیون کمونیست سلب کرده است، بلکه حتی کاندیدای سازمان مجاهدین خلق یعنی مسعود رجوی نیز از لیست کاندیدها حذف شد. بنابراین مردم فقط می توانستند رای خود را به یکی از کاندیدهای بد دهند که در چارچوب مورد قبول حاکمیت باقی می ماند. در میان این کاندیدها سه تن مشهورتر از بقیه بودند و از سال گذشته تاکنون از طریق رادیو - تلویزیون، مطبوعات و غیره و نیز در هفته های اخیر بیش از بقیه کاندیدها به مردم معرفی شده بودند. این سه تن عبارت بودند از قطب زاده مدنی و بنی صدر. پس از این سه نفر، مردم فروهر و طباطبائی را می شناختند و حبیبی و سامی و مکرری را مردم کمتر می شناختند. بنابراین موضعی که مردم در قبایل بنی صدر، قطب زاده و مدنی گرفتند، از اهمیت زیادی برخوردار است. بنی صدر از ماهها پیش با سیاست های بازرگان و شرکاء و باند چمران که مجربان سیاست های امپریالیسم آمریکا در میهن ما هستند کم و بیش خود را مخالف نشان داده بود. بنی صدر خود را طرفدار مبارزه با وابستگی و استقرار آزادی های سیاسی معرفی کرده بود. روزنامه انقلاب اسلامی او نیز با همه معايب و نقایص آن و با همه موضعگیری های خصمانه اش نسبت به مسایل مردم خلقی های ایران، در مردم

این فکر را به وجود آورده بود که بنی صدر و یاران او هرچه باشند، با قطب زاده و مدنی و طباطبائی تفاوت دارند. بنابراین شرکت کنندگان در انتخابات از میان کاندیدهای مشهوری که در برابر خود می دیدند، بنی صدر را

خواب خرگوشی فرورفته بودند از صدای این سیلی از خواب پریدند. قطب زاده ای که مردم را تحمیق می کرد و طومارهای چنود میلیونی در تائید خود فراهم می نمود، قطب زاده ای که با بهره برداری از

نتیجه انتخابات نشان می دهد که مردم به شدت از کسانی که پس از قیام به قدرت خریدند و خون شهدای خلق را وثیقه اهداف ضد خلقی خود قرار دادند، بیزارند.

برگزیدند. به علاوه اعتراض بنی صدر به حذف مسعود رجوی کاندیدای سازمان مجاهدین خلق ایران سبب شد که بخشی از کسانی که در صورت حضور مسعود رجوی در صحنه انتخابات به او رای می دادند، رای خود را به نفع بنی صدر به صندوق ها بریزند.

نتیجه انتخابات پیش از هر چیز نشانه بیزاری و نفرت مردم از قطب زاده ها و چمران ها و از همکسانی بود که در یک ساله گذشته از هر جنایتی علیه خلق های ما کوتاهی نکرده اند. مردمی که در نخستین روزهای پس از قیام دست کم قطب زاده را با بنی صدر یکی می دانستند در جریان مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خود و در نتیجه

احساسات مذهبی مردم میهن با مردم را به تائید خود وامی داشت در سراسر ایران حتی نتوانست ۵ هزار رای بیاورد. این نشان می دهد بی اعتمادی مردم نسبت به قطب زاده ها است. این نشانه شکست سیاست عوام فریبی و تحمیق توده ها است. مردمی که برای نابودی سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا مبارزه می کنند مردمی که برای استقلال، کار، مسکن آزادی قیام کرده و دهها هزار شهید داده بودند، در روزهای اخیر نشان دادند که امروز دست کم چهره اغلب کسانی که در یک ساله گذشته بر سر قدرت تکیه زده و به خون شهیدان خلق ما لبخند می زدند و دست در دست امپریالیسم آمریکا و

خود را نیازموده است، مرق گذاشتند.

نتیجه انتخابات نشان می دهد که مردم به شدت از کسانی که پس از قیام به قدرت خریدند و خون شهدای خلق را وثیقه اهداف ضد خلقی خود قرار دادند بیزارند.

نتیجه انتخابات نشان می دهد که مردم بیش از آن که به آقای بنی صدر اعتماد داشته باشند به بازرگان و شرکاء، به باند چمران و روحانیونی که خود را قیم مردم می دانند بی اعتمادند مردم نه تنها به گشوش قطب زاده، مدنی، طباطبائی و مکرری سیلی زدند، بلکه به آن جناح از روحانیست که خود را قیم توده ها می پندارد و برای توده های قیام کننده میهن ما حق دخالت در سرنوشت خود قائل نیست درسی دادند به مراتب بزرگتر و عمیق تر از گذشته، درسی که هرکس از آن پند نگیرد، تاریخ دیرپا زود او را به سرنوشت بازرگان ها و قطب زاده ها و چمران ها دچار خواهد کرد.

در اینجا لازم است یاد آور شویم که افشاگری های سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و فعالیت های خستگی ناپذیر میلیون ها مردمی که این افشاگری ها را به گوش همه هم میهنان ما

نتیجه انتخابات بیش از هر چیز نشانه بیزاری و نفرت مردم از قطب زاده ها و چمران ها و از همه کسانی بود که در یک ساله گذشته از هر جنایتی علیه خلق های ما کوتاهی نکرده اند.

رسانند در معرفی دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا و نتیجتاً در سرنوشت انتخابات تأثیری چشمگیر داشته است.

اکنون بنی صدر رئیس جمهور شده است

حالا مردمی که از سیاست های بازرگان و شرکاء، از ماهیت چمران، قطب زاده، مدنی، یزدی صباغیان و امثال او بیزارند

سرما به داران وابسته به آن تلاش دارند ثمرات مبارزات قهرمانانه خات مازا بر باد دهند، می شناسند.

شرکت کنندگان در انتخابات میان قطب زاده، طباطبائی و مدنی که همه تدنشان تحکیم سلطه امپریالیسم آمریکا و سرکوب مردم است با بنی صدر که تاکنون در حرف از آزادی ها دفاع کرده، به سانسور تاخته و خود را مخالف وابستگی معرفی کرده است ولی در عمل هنوز چندان

فعالیت های نیروهای انقلابی روز به روز و بیش از پیش از سیاست های ضد دمکراتیک عوام فریبی، کینه و دشمنی مدنی ها و قطب زاده ها نسبت به نیروهای انقلابی دوستی و سرسپردگی آنها به امپریالیسم مطلع شدند و روز به روز از او و امثال او بیزارتر شدند. مردم در انتخابات اخیر چنان سبک محکمی به گوش قطب زاده و همه مجربان شناخته شده سیاست های امپریالیسم زدند که آنها بی هم که در

مردمی که دیگر هرگز پشت سر رفسنجانی و بهشتی و امثال او سینه نخواهند زد، پس از آیت الله خمینی بنی صدر را در رأس حکومت می بینند. در جمهوری اسلامی ایران او اینک رئیس جمهور است.

بنی صدر پس از اطمینان به انتخاب خود در یک مصاحبه تلویزیونی شرکت کرده و به سؤالات خبرنگاران پاسخ گفته است. از آنجا که این مصاحبه می تواند ما را در شناخت بیشتر او یاری دهد، ما برخی از قسمت های این مصاحبه را مرور می کنیم: آقای رئیس جمهور که همیشه به اعداد و ارقام توجه دارد خیلی خوب می داند که نزدیک به ۴۰ درصد از مردم در انتخابات شرکت نکردند اما او باز هم همان افسانه مضحک ۹۹٪ را که مدت ها است اعتبار خود را از دست داده و در میان توده ها به یک شوخی بدل شده است، در تلویزیون تکرار کرد و مدعی شد که گروه های مترقی فقط ۱ درصد هستند. این ادعا همانگونه که در ماه های گذشته دیدیم ورد زبان خیلی از کسانی بوده است که خود نیز می دانستند چنین چیزی دروغ محض است.

لازم است به آقای رئیس جمهور یاد آور شویم که ایشان تنها رای بیش از ۱۰ میلیون تن یعنی رای کمتر از نصف مردم را در جیب دارند. نه رای ۹۹٪ و این رای ها نیز از آن جهت به حساب آورده شده که کاندیدهای کمونیست ها و سایر نیروهای انقلابی در صحنه حضور نداشته اند. بنابراین اگر واقعا ایشان خواستار وحدت همه نیروهای مترقی و ضد امپریالیست هستند بهتر است از تکرار افسانه ای که امروز اعتبار خود را از دست داده است، دست بردارند.

بنی صدر

در باره خطبچه گفت؟

آقای رئیس جمهور در مورد خلق ها نیز موضعی گرفت که باعث نگرانی عمیق همه دوستداران صلح عادلانه در کردستان شد. او با عنوان کردن تجزیه طلبی و غیره حرف های گذشتگان را تکرار کرد. بقیه در صفحه ۷

صلح دمکراتیک در کردستان باید به نفع زحمتکشان ایران برقرار شود

اینک مردم آگاه میهن به رغم همه تبلیغاتی که علیه خلق کرد شده است به خوبی می دانند که خلق قهرمان کرد خواستار صلح عادلانه و خودمختاری در چارچوب ایرانی مستقل، آباد و دمکراتیک است.

چه کسی خواستار تجزیه میهن ما است؟ امروز مردم خوب می دانند که دولت بازرگان و عناصری مثل امیر انتظام، چمران و قطب زاده و غیره بارها کوشیدند خواستهای حق طلبانه خلق قهرمان کرد را لووت کنند و با برجسبهای ناچسب تجزیه طلبی و سوء استفاده از احساسات میهن پرستانه مردم ایران سیاست سرکوب خلقها را که سیاست امپریالیسم آمریکا است به پیش برند. این سیاست البته با مقاومت قهرمانانه جنبش مقاومت خلق کرد در هم شکسته شد. این سیاست همان سیاست زور و سرکوب بود. سیاست به کار گرفتن ارتش برای سرکوب زحمتکش ایران بود. سیاست قتل عام اهالی روستای قارنا بود. سیاست اعزام فرزندان دلاور کردستان بود. این سیاست اگر پیروزی شد معنی اش پیروزی فرماندهان ارتش، پیروزی چمران و پیروزی امپریالیسم آمریکا بود و البته در صورت پیروزی این سیاست آقای بنی صدر هم امروز رئیس جمهور نبود. مردم میهن ما به یاد دارند که خلق کرد خواستار جنگ نبود، بلکه چمران ها، ظهیرزادها، صباغیان ها و سایر کسانی که هنوز هم پستهای حساس حکومت را در اختیار دارند و هنوز هم در پی پیشبرد سیاست ورشکسته سرکوب خلقها هستند با نقشههایی دقیقاً حساب شده جنگ را بر خلق قهرمان کرد تحمیل کردند و بدیهی است که مردم آگاه و مبارز کردستان با مقاومت قهرمانانه خود سیاست سرکوب خلقها را ورشکسته ساختند و مبارزات صدامریالیستی - دمکراتیک خلقهای میهن را اوجی تازه بخشیدند.

اگر آقای بنی صدر واقعا خواستار وحدت خلقهای میهن ما است اگر آقای رئیس جمهور همانگونه که مدعی است طرفدار سیاست زورگویی نیست، باید این ادعاها را در عمل نشان دهد، و حرفهای سابق را تکرار نکند. به اراده مردم کردنهد و همانگونه که مردم می خواهند نه تنها چمرانها و صباغیانها بلکه

نتایج انتخابات و اولین ...

امروز بیش از پیش سیاستهای آنها را قاطعانه طرد کند، با هیئت نمایندگی خلق کرد که نماینده همه مردم کردستان است، صادقانه به مذاکره بنشیند و بدین سان ادعاهای خود را عملاً ثابت کند و بداند که خلق کرد واقعا خواستار صلح است.

آقای بنی صدر باید بداند که نیروهای انقلابی خلق به ویژه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران که مدافع طبقه کارگر و زحمتکش ایران است قاطعانه از وحدت خلقهای ایران دفاع می کنند و استقرار صلح عادلانه کردستان و خودمختاری خلقهای ایران را در چارچوب ایران مستقل و دمکراتیک ضامن وحدت خلقهای ایران می دانند و خلاصه آقای بنی صدر باید بداند که سیاست سرکوب خلقها در هیچ شرایطی پیروز نخواهد شد.

بنی صدر در مصاحبه خود

الفاته دوا بر قدرت را پیش کنید

در مورد دشمن اصلی خلقهای ایران یعنی امپریالیسم آمریکا، آقای بنی صدر می گوید: "من دوا بر قدرت آمریکا و روس را به پیکان دشمن ایران می دانم. آنها هر دو دشمن اصلی هستند. کوبی رئیس جمهور نمی داند که معنی دشمن اصلی چیست. دشمن اصلی یعنی آن نیروی سلطه گری که هم اکنون بر میهن ما مسلط است، یعنی امپریالیسم آمریکا که به ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد به امپریالیسم غالب در میهن ما بدل شده است و سلطه اقتصادی، سیاسی، نظامی و حتی فرهنگی آن میلیونها تن از مردم مارا خانه خراب کرده، دهها هزار تن از مردم مارا به خاک و خون کشیده، شمره کارگران و دهقانان ما و منابع سرشار میهن ما به ویژه نفت مارا به غارت برده و هنوز هم اقتصاد ما با هزاران رشته به آن وابسته است. و هنوز هم مهره های سرسپرده آن در رأس ارتش و در پستهای حساس دولتی مشغول خیانت به خلقهای ایران هستند و برای نابودی همه ثمرات مبارزات مردم دندان تیز می کنند. مردم ما

بقیه از صفحه ۶

بنی صدر در مورد

کنفرانس پاکستان طفره رفت

بنی صدر از شرکت در کنفرانس پاکستان که توده های میهن ما عمیقاً آن را محکوم می کنند، حمایت کرد. او در مصاحبه تلویزیونی خود از تصمیم شورای انقلاب در مورد شرکت در کنفرانس پاکستان دفاع کرد.

رئیس جمهور در برابر این سؤال که نظر شما در مورد کنفرانس پاکستان چیست، کوشید از دادن پاسخ صریح طفره رود و بجای آن که نظر خود را آشکارا بگوید، گفت وقتی شورای انقلاب این تصمیم را گرفت من غایب بودم. این طفره رفتن نشان داد که بنی صدر نمی خواهد نظر خود را آشکارا به مردم بگوید. با این همه از فحوی سخن بنی صدر معلوم شد که او با شرکت در این کنفرانس موافق است چرا که دست آخر گفت به هر حال تصمیم شورای انقلاب باید اجرا شود. او با این گفتار خود با همه نیروهای میهن که شرکت در کنفرانس را محکوم کرده اند و نیز با "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" مخالفت کرد.

اینک مردم آگاه ما می دانند که کنفرانس پاکستان

درحانیه انتخابات

"حزب توده" باردیگر

سیاست ورشکسته خود را بنمایش گذاشت

پنداشت و با اعلام حمایت حوزه مدرسین قم و چند تن از امام جمعه های شهرستانها از حبیبی با خوشحالی و بسا عجله حمایت خود را از وی اعلام کرد.

اما با همه تبلیغاتی که برخی از جناحهای روحانیت، برخی از عناصر سرشناس و "حزب توده" از حسن حبیبی به عمل آوردند، حبیبی در سراسر ایران تنها ۶۰۰ هزار رای آورد. که بدون شک این تعداد آراء نیک از آن روحانیت و امام جمعه های طرفدار حبیبی است.

"حزب توده" امیدوار بود نفوذ ادعایی خود را در زیر پوشش میلیونها رای که بسا دخالت روحانیون طرفدار حبیبی به صندوقها ریخته می شود پنهان کند، اما توده ها این بار مشت "حزب" را باز کردند و ثابت کردند که "حزب توده" پایگاهی در میان توده ندارد.

"حزب توده" در آخرین روزهای پیش از انتخابات معمای خود را حل شده

مردم ما خواستار استقلال کامل میهن و نابودی سلطه امپریالیسم جهانی بر سرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند. طبقه کارگر و همه زحمتکشان و روشنفکران ترقیخواه ایران فشار همه کشورهای امپریالیستی را بردوش خود حس می کنند. زحمتکشان ما در زندگی روز مره خود و در مبارزات خود دشمن را می بینند و آنرا می شناسند. و در این میان فشار دشمن اصلی یعنی امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته را بیش از هر چیز لمس می کنند. مردم ما در هر گام از مبارزات خود دشمن اصلی را می بینند و هم از این رو است که هر روز بهتر از پیش مفهوم دشمن اصلی را درک می کنند و بی اعتنا به اراده و تصورات شخصیتها با دشمن اصلی خود پیکار می کنند.

کارگران صنایع فولاد اهواز؛ قاطع و پولادین علیه امپریالیسم

دوشرکت امپریالیستی
پیمانکاری فاسترویل-
تهران جنوب و عملکرد
آنان

در ۲۶ مهرماه ۱۳۵۴ برای نصب ماشین آلات و تجهیزات مجتمع فولاد اهواز و بطور کلی برای انجام کارهای مونتاژ مجتمع فولاد اهواز قراردادهائی با دوشرکت "فاسترویل-تهران جنوب" بسته شد. "فاسترویل-تهران جنوب" در سال ۵۴ موظف شدند که سه قسمت اصلی از پنج قسمت طرح را پیاده کنند، این قرارداد در ۲۶ فروردین ۵۷ برای مدت دو سال تمدید گردید. بر طبق این قرارداد، تنها مدیریت و سرپرستی کارها و تا مین پرسنل و احداث انبار و مواردی از این قبیل به عهده این دوشرکت پیمانکار گذاشته شده و مسئولیت های اصلی از جمله محارج کراف مربوط به خدمات را مجتمع فولاد اهواز به عهده گرفت. این قراردادها به گونه ای تنظیم شده که پیشرفت طرح مجتمع فولاد اهواز در کنترل دو پیمانکار مزبور قرار می گیرد و به اراده دو پیمانکار مزبور بستگی دارد. بر این اساس امپریالیست ها با قبضه مدیریت پیمانکار دارند هدف های چپاولگرانه خود را پیش برند. بر سر قراردادهای "فاسترویل-تهران جنوب" نشان می دهد که مسئولین انگلیسی شرکت و سوپروایزرهای انگلیسی برای تامین منافع امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا از هرگونه آزادی عملی برخوردارند و تنها برای پیشبرد هدف های امپریالیسم در مین ما به کار اشتغال دارند. در حالیکه حقوق و مزایای ماهانه هر یک از سوپروایزرها بین ۱۰/۰۰۰ تا ۳۵۰۰۰ تومان است، شرکت ها این میزان را کافی ندانسته و پیمانکار در عمل مبلغی نزدیک به ۵ برابر این مبلغ را از مجتمع دریافت می کند. مدیریت انگلیسی پیمانکار تحت عناوین مختلف ماهانه در حدود ۳۰ میلیون تومان به عنوان محارج این قراردادها برای شرکت های صنایع فولاد اهواز خرج تراشی می کند. این در حالی است که محارج کل مجتمع عطیم فولاد اهواز در ماه در حدود ۱۰۰ میلیون تومان

در شماره های قبلی... برای نشان دادن بهره گیری شرکت... امپریالیستی از سوره... شخصی شاهد مسائل آورده... گفتیم که چگونه... میهن... به ویژه... علبه بهره کشی و غارت...

می باشد. مدیریت کنونی شرکت های عهده سه نفر انگلیسی، "قاولو رئیس پروژه"، "میرگ" مسئول امور رسیدگی به پیشرفت کار و "اسکرینجر" مسئول امور مالی

مسئولین انگلیسی شرکت و سوپروایزرهای انگلیسی برای تامین منافع امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا از هرگونه آزادی عملی برخوردارند و تنها برای پیشبرد هدف های امپریالیسم در مین ما به کار اشتغال دارند.

شرکت می باشد. مدیریت کنونی شرکت های عهده سه نفر انگلیسی، "قاولو رئیس پروژه"، "میرگ" مسئول امور رسیدگی به پیشرفت کار و "اسکرینجر" مسئول امور مالی... طرحی ۳ ماهه... در ۲۳ میلیون تومان دریافت داشتند. که این مقدار... تغییر ارزش پول برای دو سال قرارداد دوم به ۴ میلیون تومان افزایش پیدا کرده است. اگر بر این حق مدیریت... دریافت های اضافی حقوق سوپروایزرها و غیره را نیز اضافه کنیم و باتوجه بر اینکه پیمانکار (در واقع مدیریت انگلیسی سه نفره) یک پنجم حقوقی که بابت سوپروایزرها از دولت می گیرد، بدانها می پردازد، میزان غارت پیمانکار به مراتب بیشتر از ۴۰ میلیون تومان می شود. مثلا اگر فرض کنیم که پیمانکار نصف حقوق دریافتی سوپروایزرها را به آنها بدهد (که تمام حقوق دریافتی اکنون ۶ میلیون تومان می باشد) کل مبلغ پرداختی به پیمانکار برای مدت دو سال قرارداد دوم لااقل ۱۰۰ میلیون تومان خواهد بود. با توجه به اینکه مبلغ پرداختی به پیمانکار بابت سوپروایزرها، ۱/۵ برابر حق مدیریت است، مدیریت ۳ نفره انگلیسی "فاستر

شرکت ها پیگیرانه مبارزه می کنند. از جمله مبارزات کارگران و کارکنان انقلابی... مبارزه کارگران... و چپاول این... سرمایه امپریالیستی... مدیریت آنان... صحبت کنیم.

وینتر "در دو سال مبلغی حدود ۸۰ میلیون تومان دریافت می کند. سیاست شرکت ها، سیاست امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است.

ببینیم شرکت های یاد شده با چه سیاستی به بهره کشی از طبقه کارگر ایران و تصاحب دسترنج آنان می پردازد. آقای اکبر طالقانی قائم مقام فعلی پروژه "فاسترویل-تهران جنوب" در سندی که تحت عنوان "گزارش توجیهی در مورد کار شرکت های فاسترویل-تهران جنوب" نوشته و برای دکتر احمد... زیر

صنایع و معادن جمهوری اسلامی فرستاده است، تا حدودی پرده های ماهیت امپریالیستی قراردادها

بسیار نمایندگان... در راه حل عملی که توسط اکبر طالقانی پیشنهاد می شود، از یک طرف بدستی پیشنهاد می کند که این قراردادها بطور کامل لغو گردد و از طرف دیگر از آنجا که خواهان حفظ سرمایه داری است، در پیشنهاد خود نشان می دهد که چگونه برای ادامه بهره کشی از طبقه کارگر تلاش می کند. او در این زمینه نشان می دهد که تاجه میزان از شکل و آگاهی کارگران هراس دارد و به این دلیل نیز از پیشرفت مبارزه ضد امپریالیستی نگران و در هراس است.

از جمله او مبارزات پیگیر و قاطع کارگران علیه امپریالیسم و منافع آنها... "زیاده خواهی" توصیه می کنند و کارگران را به "تسری" متهم می کند، طالقانی در بقیه در صفحه ۹

در دهه ۵۰... چراغ بران این شرکت... می دهند و عملا خواهان متوقف کردن جریان تولید می باشد. "نزدیک شدن به پایان فرآیند و منافع صنعتی را برای دامان "دکتر" شده است. در این صفحه ذکر می شود که "مخصوصا شرکت فاسترویلر هیچگونه مسئولیتی در جهت این افزایش (منظور افزایش رانندگی است) به عمل نیاورد. مطابق پیشنهادات ارائه شده خود می خواهد حتی "از فعالیت فعلی هم تا حد امکان جلوگیری به عمل آورد" یعنی فاسترویلر حتی حاضر نیست همان ۱٪ را نیز انجام دهد!! گزارش آقای طالقانی کاملا روشن می کند که چه کسانی خواهان متوقف ساختن جریان تولید فولاد هستند و از آن سود می برند. مابه منظور آگاهی کارگران از هدف های که امپریالیست ها دنبال می کنند، این قسمت از گزارش را عینا چاپ می کنیم.

اصل صفحه ۵ سند در صفحه ۹

در سند وضعیت پیمانکار تهران جنوب نیز مشابه فاسترویل ترسیم شده است. سیاستی که مسئولین دولتی در این شرکت ها دنبال می کنند.

حال ببینیم در مقابل این حقایق مسئولین امر چگونه برخورد می کنند. در راه حل عملی که توسط اکبر طالقانی پیشنهاد می شود، از یک طرف بدستی پیشنهاد می کند که این قراردادها بطور کامل لغو گردد و از طرف دیگر از آنجا که خواهان حفظ سرمایه داری است، در پیشنهاد خود نشان می دهد که چگونه برای ادامه بهره کشی از طبقه کارگر تلاش می کند. او در این زمینه نشان می دهد که تاجه میزان از شکل و آگاهی کارگران هراس دارد و به این دلیل نیز از پیشرفت مبارزه ضد امپریالیستی نگران و در هراس است. از جمله او مبارزات پیگیر و قاطع کارگران علیه امپریالیسم و منافع آنها... "زیاده خواهی" توصیه می کنند و کارگران را به "تسری" متهم می کند، طالقانی در بقیه در صفحه ۹

پر توان باد جنبش طبقه کارگر، پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران

کارگران صنایع فولاد اهواز، قاطع و پولادین ... بقیه از صفحه ۸

کارگران راه آهن:

عناصر سرسپرده

و مزدور باید

تصفیه شوند

سرپرست راه آهن که از جسم کارگران به وحشت افتاده بود پایه فرار گذاشت ...

به دنبال اعتراضات مکرر کارگران راه آهن جهت گرفتن خواست‌های خود، شش‌روزه کارگران راه جلسه عمومی دعوت کرد. در ابتدای جلسه یکی از اعضای شش‌روزه خواست‌های کارگران را به شرح زیر قرائت نمود:

- ۱- پرداخت پادشش ماه اول سال.
- ۲- پرداخت تفاوت مزایای شغلی از خدمات به فنی.
- ۳- تامین بهداشت محیط کار.
- ۴- تامین و پرداخت وام مسکن.

- ۵- تثبیت ۴۰ ساعت کار در هفته و تعطیل پنجشنبه‌ها.
- ۶- نوسازی و مدرنیزه کردن راه آهن.
- ۷- پاکسازی و تصفیه انقلابی عناصر سرسپرده و مزدور سرمایه‌داران.

پس از قرائت خواست‌های کارگران، "موحد" سرپرست راه آهن با سخنرانی خویش کوشید کارگران را فریب داده و قصبه را ماستالی کند. "موحد" در سخنانی که ایراد کرد، نشان داد که تاچماندازه مسئولین امور نسبت به خواست‌های کارگران بی‌اعتنا هستند.

کارگران که از بی‌اعتنائی "موحد" نسبت به مشکلات و مسائل خود به خشم آمده بودند، در محل اداره کار گزینی اجتماع کردند.

سرپرست راه آهن که از خشم کارگران به وحشت افتاد بود، تنها چاره کار را در فرار دید و با به گریز نهادن کارگران راه آهن بی‌ادان شعار از شورا پشتیبانی کرده و مصرا خواستار برکناری "موحد" سرپرست راه آهن شدند.

سهره‌کسی و عازت سرمایه‌داران سنگانه و سرمایه‌داران نیرال تریک آبان، نعمی دوسارو حاسوسان امیرالیسم امریکا هستند و آقای اکبر طالقانی در حقیقت با چنین حواسی سه

اکبر طالقانی می‌خواهد خودی و شرکایش با لغو قراردادها بجای مدییران انگلیسی بنشینند، اما کارگران خواهان نابودی سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم و برجیده شدن بساط بهره‌کشی هستند.

مقابله برمی‌خیزد. برای روشن شدن بیشتر مسئله و اثبات حقانیت مبارزه کارگران مبارز و انقلابی، ماصفحه ۸ ستند را عیناً چاپ می‌کنیم.

بشریت روزگار از دست نماند و در این راه مبارزه کارگران راه آهن که از بی‌اعتنائی "موحد" سرپرست راه آهن به خشم آمده بودند، در محل اداره کار گزینی اجتماع کردند. سرپرست راه آهن که از خشم کارگران به وحشت افتاد بود، تنها چاره کار را در فرار دید و با به گریز نهادن کارگران راه آهن بی‌ادان شعار از شورا پشتیبانی کرده و مصرا خواستار برکناری "موحد" سرپرست راه آهن شدند.

حقایق بالا نشان می‌دهد که چرا آقای اکبر طالقانی اصرار دارد که نامه ایشان به وزیر صنایع و معادن محرمانه باقی بماند و کارگران از آن اطلاع حاصل نکنند. اما کارگران فاسترویلر-تهران جنوب به شیوه خویش علیه امپریالیسم و عوامل آن مبارزه می‌کنند و ما در شماره آینده از آن سخن خواهیم گفت.

اعترافات اکبر طالقانی
غارت مبارزه ضد امپریالیسمی
ضعه کارگران ایران را ناگروه‌های
دیگر روس می‌سازد. اکبر
طالقانی می‌خواهد که خود و
شرکایش حای مدییران
انگلیسی و سوپروایزرها
بمانند، در حالیکه کارگران
در مبارزه با امپریالیسم
خواهان نابودی سرمایه‌داری
وابسته به امپریالیسم و برجیده
شدن بساط بهره‌کشی
سرمایه‌داران بطور کلی هستند
کارگران تنها خواهان "لغو
کامل قراردادها" و اخراج مدییران
انگلیسی، بلکه خواهان مصادره
سرمایه شرکت‌ها، ملی‌کردن
آنان و سپردن امور کارخانه به
دست شوراهای واقعی کارگری
می‌باشند تا بتوانند برحاصل
دسترنج خود نظارت و کنترل
داشته باشند.

کارگران خواهان پیشبرد مبارزهای پیگیر و بی‌امان علیه

بشریت روزگار از دست نماند و در این راه مبارزه کارگران راه آهن که از بی‌اعتنائی "موحد" سرپرست راه آهن به خشم آمده بودند، در محل اداره کار گزینی اجتماع کردند. سرپرست راه آهن که از خشم کارگران به وحشت افتاد بود، تنها چاره کار را در فرار دید و با به گریز نهادن کارگران راه آهن بی‌ادان شعار از شورا پشتیبانی کرده و مصرا خواستار برکناری "موحد" سرپرست راه آهن شدند.

آگاهی خود و متشکل ساختن طبقه کارگر ایران که شرط ضروری پیروزی بر امپریالیسم امریکا و دوستان و حاسوسان آن است، "خرابکاری" و "حرکات ضد انقلابی" می‌نامد، گویا فراموش که در چند سطر بالاتر مدییریت و سوپروایزرهای انگلیسی را عامل متوقف ساختن تولید

صفحه ۵ سندی نویسد: "نبودن سوپروایزرها سبب شده که کارگر به تن‌پروری عادت کرده و عدم خواست کار از طرف مدییریت پیمانکار باعث زیاده‌خواهی آنها و احتمالاً تحریک پدیری ایشان گردیده است." طالقانی در این سطور به

اکبر طالقانی، مدییر عامل کنونی پروژه ماز یکطرف بد رستی پیشنهاد می‌کند که این قراردادها بطور کامل لغو گردد و از طرف دیگر از آنجا که خواهان حفظ سرمایه‌داری است، در پیشنهادات خود نشان می‌دهد که چگونه برای ادامگی بهره‌کشی از طبقه کارگر تلاش می‌کند.

ذکر کرده است. آقای طالقانی که از مبارزه با امپریالیسم هم صحبت می‌کند، از وزیر صنایع و معادن جمهوری اسلامی می‌خواهد که شرکت‌ها را تعطیل کند و کارگران مبارز و انقلابی را اخراج نماید. برای قائم مقام پروژه اخراج کارگران مبارز و تصفیه انقلابیون بیش از هر چیز اهمیت دارد، زیرا بقول خودش "تنها ضرر این اقدام تظاهرات و اغتشاش افراد اخراج شده است" و برای جبران آن نیز "می‌توان برنامه‌های مختلفی مانند کار درجهاد سازندگی و غیره را مورد نظر و بررسی قرارداد." اکبر

روشنی این تمایل خود را که خواهان حفظ روابط سرمایه‌داری و بهره‌کشی از طبقه کارگر است، بیان می‌دارد. چه به‌زعم ایشان مسئولین و مدییران ایرانی باید همچون گذشته و همانند سوپروایزرها و مدییران انگلیسی آنچنان شرابطی را به‌وجود آورند که کارگران اجازه نیابند به اصطلاح "تن‌پرور شوند و زیاده‌خواهی کنند!" در صفحه ۷ سندی، او کارگران را متهم می‌کند که "به علت نداشتن اطلاعات فنی"، "توقع بیش از حد" دارند و با "تحریک بیش از حد پرسنل توسط تماس‌های شبانه و پخش اعلامیه‌های مختلف علیه دولت، مسئولین امر، و حتی نمایندگان مجلس خبرگان"، در کار تولید اخلال می‌کنند. او آشکارا حقایق را تحریف می‌کند و مبارزات ضد امپریالیستی کارگران را که همان مبارزه علیه سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم است، اخلالگری نام می‌نهد. اکبر طالقانی کوشش کارگران مبارز را برای بالا بردن

۴۸ ساعت کار طاقت فرسا در کارخانه‌ها باید به ۴۰ ساعت تقلیل یابد

گزارشی از شوراهای اتحادیه‌های دهقانان روستاهای اطراف قم

دهقانان و زحمتکشان روستا برای پیشبرد مبارزات خود درک کرده‌اند که احتیاج به سازمان و تشکل دارند. آنها براساس تجاربی که از قیام تا کنون کسب کرده‌اند، در این زمینه نیز گام‌های استواری به پیش برمی‌دارند.

داده، دریافت مواد غذایی از تعاونی‌های روستائی و توزیع عادلانه آن بین دهقانان، دریافت کود به قیمت ارزان و توزیع و تحویل آن به کشاورزان و کشت زمین‌های مصادره‌شده از زمین‌داران و مالکان بزرگ بوده‌است. اتحادیه‌های دهقانی لنگرود در جاده کاشان واقع شده‌است. این اتحادیه متشکل از شوراهای دهقانی چند روستا می‌باشد. یکی از اهدافی که تا کنون این اتحادیه به انجام آن روبروست، مصادره باغات پسته و مزرعه مکانیزه یکی از زمین‌داران بزرگ (امیرناصر دیبا، از وابستگان فرح) میباشد لازم به تذکر است که امیرناصر دیبا یکبار دستگیری شد ولی با قید ضمانت از طرف کمیته آزادی می‌گردد.

اتحادیه‌های دهقانی (نوفل‌لوشاتو) نیز از جمله اتحادیه‌های دیگر این منطقه است که بازم با راهنمایی‌ها و فعالیت‌های پیگیر عناصر آگاه و مترقی و با یاری دهقانان زحمتکش ایجاد شده‌است. از جمله اقداماتی که این اتحادیه موفق به انجام آن گردیده‌است، مصادره یک معدن سرب و یک معدن کوچک سنگ‌است که اجازه استخراج آن نیز دریافت شده و به توافق اعضای اتحادیه کسه نمایندگان روستائیان زحمتکش می‌باشند، قرار شد که درآمد آن بیشتر صرف عمران و آبادی کبک و روستاهای اطراف آن گردد.

مناسبتی برخوردار نبوده و به علت عدم رسیدگی به حداقل نیازهای بهداشتی روستائیان، بسیاری از فرزندان آنها، مبتلا به آبله مرغان بوده و صورت‌هایشان غالباً پوشیده از زخم‌های ناشی از این بیماری است. پرواضح است که چنین شرایطی شامل حال زمین‌داران بزرگ و مالکان بانفوذ نمی‌شود و آنان مطابق معمول از امتیازات و امکانات رفاهی و بهداشتی برخوردارند. اگرچه پس از قیام، زحمتکشان این روستاها نیز با اقدامات انقلابی خود به مصادره زمین‌های مالکین و زمین‌داران بزرگ پرداختند اما زمین‌داران و مالکین سا حمایت همه جانبه برخی روحانیون با نفوذ و دست‌اندرکاران مملکتی در پاره‌ای مناطق دست به سرکوب زحمتکشان روستا و دهقانان فقیر زدند. در جریان این مبارزه بود که زحمتکشان روستاهای قم با کمک افراد آگاه و انقلابی به ضرورت تشکل از طریق شوراهای اتحادیه‌ها واقف شدند، که ما در اینجا به ذکر نمونه‌هایی از آنها می‌پردازیم.

اتحادیه‌های روستاهای دهقانی چهار روستا، از جمله ملک‌قلعه، کوه سفید، سلطان باجی و قم‌رود تشکیل شده است. از فعالیت‌های بارزی که این اتحادیه تا کنون انجام

زندگی خود نمی‌باشند. به این دلیل بسیاری از روستائیان مجبورند در کنار کار برای زمین‌داران و مالکین بزرگ، بعنوان کارگر ساختمانی راه آهن و معدن نیز به تأمین ابتدائی‌ترین نیازهای زندگیشان بپردازند. خرده‌مالکان که نسبت به گروه اول از وضع بهتری برخوردارند، در برخی روستاها علاوه بر زمین کشاورزی که غالباً به کشت گندم اختصاص می‌یابد، صاحب باغ‌های میوه هستند که از این طریق نیز می‌توانند مخارج زندگیشان را تأمین کنند.

عدم ای دیگر که زمین‌های کمتری برای کشت دارند و یا زمینشان به دلایل مختلف مثل کمبود آب و غیره قابل کشت نیست، به دامپروری روی آورده‌اند.

در بسیاری از روستاهای قم مطلقاً از برق، حمام، مدرسه، و... خبری نیست و در روستاهای هم که مدرسه موجود است، کودکان مجبورند همراه درس کار هم بکنند. تأمین آب آشامیدنی نیز یکی از مسائل بسیار حاد روستائیان این منطقه است. گاهی اهالی گودال‌هایی به عمق ۳ متر می‌کنند که شبانه در آن آب جمع شده و روزها خود و احشامشان همراه با سگ‌های گله از آن آب استفاده می‌کنند بهداشت نیز از وضعیت

قابل تأکید است. هدف از تشکیل این شورا در روستاهای اطراف قم، تأمین وحدت و یکپارچگی هر چه بیشتر دهقانان زحمتکش است. اتحادیه‌های دهقانی در این ناحیه با تشکل نمایندگان چند شورای روستائی نزدیک به یکدیگر به وجود می‌آید تا از این طریق با قدرت بیشتری به مقابله با زمین‌داران بزرگ و بقایای فئودال‌ها بپردازند. ترکیب شوراهای این منطقه غالباً اشکال سنتی داشته و ریش سفیدان در آن حضور دارند که تدریجاً افراد آگاه‌تر و دهقانان زحمتکش جای آنان را خواهند گرفت. گویانکه این قبیل جابجائی به مذاق برخی خرده‌مالکان مرفه خوش نمی‌آید و حتی گاهی مزاحمت‌هایی را نیز ایجاد می‌کنند، اما تا کنون این قبیل محدودیت‌ها، مانعی جدی در راه عناصر آگاه و دهقانان زحمتکش به وجود نیاورده‌است.

در این گزارش مختصراً به چگونگی زندگی دهقانان برخی از روستاهای قم و مسائل و مشکلاتی که با آن دست به‌گریبانند، می‌پردازیم اکثر ساکنین روستاهای این منطقه را خوش‌نشینان و خرده مالکان تشکیل می‌دهند که اغلب یابی زمین‌اند و یا با قطعه زمینی بسیار کوچک هم حتی قادر به تأمین مخارج

مبارزات زحمتکشان روستا برای برآورده شدن شعار "زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند" هر روز دامنه بیشتری پیدا می‌کند. دهقانان برای پس گرفتن زمین‌ها از زمین‌داران بزرگ، مبارزات خود را گسترش می‌دهند. مبارزه برای لغو بدهی و حذف کلیه بازپرداخت‌ها، مبارزه برای دریافت وام بدون بهره، مبارزه برای تأمین بهداشت، آموزش و راه و مدرسه. این مبارزات هر روز دهقانان بیشتری را به میدان مبارزه می‌کشاند.

دهقانان و زحمتکشان روستا برای پیشبرد این مبارزات درک کرده‌اند که احتیاج به سازمان و تشکل دارند، آنها بر اساس تجاربی که از قیام تا کنون کسب کرده‌اند، در این زمینه نیز گام‌های استواری به پیش برمی‌دارند. امروز در بسیاری از روستاهای میهن ما، شوراهای اتحادیه‌های دهقانان به وجود آمده‌است. تکامل یافته‌ترین شوراهای اتحادیه‌های دهقانان ترکمن صحرا است.

شوراهای اتحادیه‌های دهقانان قم، بر پایه اشکال سنتی تشکل دهقانان به وجود آمده و از این نظر قابل بررسی است. سنت‌ها و آئین‌های مذهبی در شکل سازمان دهی شوراهای اتحادیه‌های دهقانان قم مستقیماً دخالت داشته و به آن ویژگی خاصی بخشیده است. این مسئله بخصوص در شکل‌گیری شوراهای دهقانی

راه پیمائی دهقانان سلدوز علیه فئودالهای منطقه

نوشته پلاکاردها به قرار زیر بود: "فئودالیسم نابود است، متضعف پیروز است." "فئودالیسم نابود است، کشاورز پیروز است." "حمایت از فئودال‌ها، حمایت از آمریکا است." دهقانان گفتند دولت نباید از فئودال‌ها و مرتجعین حمایت کرده و علیه زحمتکشان اقدام کند. حال این کس هر کس می‌خواهد باشد. در آخر خوش‌نشین‌ها بر لزوم تقسیم زمین‌های منطقه که در دست فئودال‌ها می‌باشد، تأکید کردند. این راهپیمائی با اعلام یک قطعنامه ۱۰ ماده‌ای در ساعت ۱۳/۵ پایان یافت.

آزادی جمع شده و بعد از سخنرانی یک نفر که در آن از لزوم اتحاد دهقانان و اینکه چرا دهقانان دیگر، ساکت نشسته‌اند. سخنران و ضمن آن یادآور شد که فئودال‌ها توسط بعضی از سران مزدور ارتش حمایت و مسلح می‌شوند و اینکه یک عده از دهقانان دانسته یا ندانسته به خدمت اربابان خائن درآمده و علیه دهقانان به کار گرفته می‌شوند، سخنران گفت که دیگر دوران زور و قلدری اربابان سپری شده‌است و باید دهقانان بسیا خاسته و متحد شوند و زمینها را بین خود تقسیم کنند. دهقانانی که در راهپیمائی شرکت داشتند، حدود ۱۰۰ نفر بودند. بعضی از شعارها و

روز ۱۸ دی ماه ۵۸ دهقانان چند روستا از جمله یادگارلو، گوران آباد، چبانه و... برای اعتراض به مسلح کردن فئودال‌ها و عمالشان علیه دهقانان بی زمین‌پشتیبانی از عمل انقلابی دهقانان یادگارلو و خنثی ساختن توطئه اربابان پس از تجمع در مسجد صاحب‌الزمان و سخنرانی چند نفر از جمله روستائیان علیه توطئه‌های اربابان و جنایت‌های چندین ساله آنها، شروع به راهپیمائی کردند. راهپیمان ضمن عبور از خیابان‌های شهرنقده اعمال ننگین فئودال‌ها را محکوم کردند. راهپیمائی از ساعت ۱۲ ظهر شروع شد و بعد از طی مسافتی در میسندان

دهقانان زحمتکش!

زمینی که دشمن روی آن کار میکند و زحمت میکشید باید از آن شما باشد.

زمینهای سرزمین داران و فئودالها و زمین داران بزرگ را در اختیار خود بگیرید و باکشت و اداره جمعی زمینها به دست خود نگذارید که بش گذشته حاصل کار و زحمتتان را سرمایه داران و اربابان و فئودالها به غارت ببرند.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند!

کلیه قروض و بدهی‌ها به بانک‌ها و مؤسسات دولتی و خصوصی باید لغو گردد!

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه آذربایجان
۵۸/۱۲۸

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

مبارزه کارمندان اداره شماره گذاری برای تأمین خواستهایشان همچنان ادامه دارد

*** قاتلین علی اکبر رضائی کارمندان اداره که توسط افراد کمیته به ضرب گلوله به شهادت رسید، آزادانه زندگی می کنند.**

۳ نفر از نمایندگان کارمندان اداره راهنمایی و رانندگی تهران در بخش شماره گذاری به منظور اعتراض به آزادی سرهنگ ایروانی قاتل علی اکبر رضائی، کارمند آن اداره و دستگیری دونفر از نمایندگان خود، روز ۲۲ دی ماه ۵۸ در دفتر شهرداری تهران متحصن شده و با اعتصاب غذا دست زدند.

کارکنان اداره شماره گذاری راهنمایی و رانندگی از حدود ۶ ماه پیش خواستار رسیدگی به خواستهای خود بودند که مهم ترین آنها عبارت بود از:

- ۱- افساگری پیرامون سو استفاده هائی که در این اداره شده است.
 - ۲- تعویص رئیس اداره شماره گذاری.
 - ۳- تشکیل شورا.
- در طول این مدت نه تنها به خواستهای آنها رسیدگی نشد، بلکه تصمیم گرفته شد که ۳۷۰ نفر از کارمندان اداره شهرداری را اخراج کرده و به جای آنان مامورین شهرستانی را

بگذارند. کارمندان پس از اطلاع از این موضوع تصمیم می گیرند که مسئله را با یکی از مسئولین مطرح کنند. به همین منظور روز چهارشنبه ۲۱ آذر ۵۸ جلوی درب اداره که به روی آنها بسته شده بود، به عنوان اعتراض اجتماع می کنند. در این هنگام مامورین کمیته به اجتماع کنندگان حمله می کنند و در گهر و دار این رو در روشی مامورین کمیته با مردم، یکی از کارمندان به نام علی اکبر رضائی به شهادت می رسد. به دنبال این واقعه کارمندان به مبارزات خود با شدت بیشتری ادامه دادند و طی قطعنامه ای اعلام کردند:

" ۱- ما، شهردار تهران و سرهنگ ثانی رئیس اداره راهنمایی و رانندگی را که به برای جلوگیری از افساگری و پاکسازی عناصر وابسته، در ب اداره شماره گذاری را به روی کارمندان بستند، مسئول قتل بردار شهیدمان علی اکبر رضائی که بدست فرستادگان آنها انجام گرفت، می دانیم

۲- قاتل که شناخته و دستگیر شده و در کمیته مرکزی می باشد، و عاملان شهادت علی اکبر رضائی باید در دادگاه عدل اسلامی به محاکمه کشیده شده، به مجازات عمل خود برسند.

۳- تمام حقوق و مزایای بردار شهیدمان بصورت کارمندی رسمی به بازماندگانش داده شود و نیز مسکن برای خانواده شهید مهیا گردد.

اکنون کارمندان که پس از گذشت یکماه، شاهد عدم رسیدگی به پرونده قاتلین علی اکبر رضائی و آزادی آنها هستند، در تحصن و اعتصاب غذا به سر می برند.

" شورای کارمندان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه" و " شورای اسلامی کارمندان شهرداری و راهنمایی و رانندگی" از جمله شوراهائی هستند که از مبارزات کارمندان اداره راهنمایی و رانندگی پشتیبانی کردند.

گزارشی از مبارزات هنرجویان در خرم آباد

سرانجام هنرجویان هنرستان شیمی خرم آباد موفق شدند رئیس خود را از کار برکنار کنند. عبدالرضا قیاسیان رئیس هنرستان شیمی خرم آباد که گفته می شود از مبلغان حزب جمهوری اسلامی است، نقش فعالی در بهم ریختن گرد همائی ها، توسط افراد اوباش و مهاجم داشته و مانع فعالیت های آزاد سیاسی هنرجویان در هنرستان بوده است و حتی چند هنرجورا به جرم "صدانقلابی" و "توطئه گر" از هنرستان اخراج کرده بود.

هنرجویان که از اقدام های قیاسیان به ستوه آمده بودند، روز ۲۴ دی ماه ۵۸ تصمیم گرفتند که او را از کار برکنار کنند. هنرجویان به دنبال تصمیم خود، در محوطه اداره آموزش و پرورش متحصن شده و خواسته های خود را که اخراج قیاسیان از هنرستان، بازگشت هنرجویان اخراجی و به رسمیت شناختن شوراهای معلمین و محصلین و اداره امور هنرستان به دست شوراها، بود، مطرح کردند و سرانجام موفق شدند قیاسیان را برکنار کنند.

حمله به راهپیمائی

دیپلمه های بیکار

● مهاجمان با چوب و چماق به راهپیمائی دیپلمه های بیکار یورش بردند و تعدادی از آنان را زخمی کردند. روز یکشنبه ۲۲ دی ماه ۵۸ گروهی از دیپلمه های بیکار بروجرد که در میان آنها عده ای عیالوار نیز بوده، با اعلام قبلی دست به یک راهپیمائی زدند. دیپلمه های بیکار در طول راهپیمائی شعار

می دادند. "کار، کار حق مسلم ما ست" اما این راهپیمائی با حمله افرادی که از قبل توسط فرماندار و رئیس شهرستانی و عده ای سرمایه دار بروجردی اجیر شده بودند، مواجه شد که بر اثر آن چند تن از راهپیمایان به سختی آسیب دیدند و روانه بیمارستان شدند.

اشغال دفتر انجمن دانشجویان مسلمان کرمانشاه

توسط گروهی از پاسداران مسلح

گروهی از پاسداران مسلح به دفتر انجمن دانشجویان مسلمان کرمانشاه حمله کرده و ستاد فعالیت گروه های فعال سیاسی را اشغال کردند. به دنبال اعلام انصراف مسعود رجوی، کاندیدای مجاهدین خلق از انتخابات ریاست جمهوری، گروهی متشکل از پاسداران مسلح، صبح روز ۳۰ دی ماه ۵۸ دفتر انجمن دانشجویان مسلمان کرمانشاه را حمله کرده و تمامی وسایل موجود در ستاد را غنیمت و متلاشی کردند. متعاقب این عمل، مدارس به عنوان اعتراض تعطیل شده و انبوه جمعیت در برابر ستاد اشغال

شده گرد آمدند و شعار می دادند "مرگ بر پاسدار ارتجاعی" و اجتماع کنندگان به تظاهرات خود ادامه دادند تا اینکه پاسداران داخل ستاد به ظاهر توافق کردند که محل ستاد را تخلیه کنند، لکن چندی نگذشت که گروهی از پاسداران به کمک رسیدند و با پرتاب گاز اشک آور و شلیک هوائی، جمعیت را پراکنده کردند.

ذریه اقدام پاسداران، از سوی گروه های سیاسی اعلام راهپیمائی شد.

معلمان مبارز استهبان فارس را اخراج کرده اند

معلمان مبارز استهبان فارس ضمن ارسال نامه ای به نشریه "کار" نوشتند:

" ما معلمین دبیرستان های استهبان، فارس را به اتهام مبارز بودن از کار اخراج کرده اند و شغلی را که به خاطر خدمت به مردم بآن دل بستیم، از ما گرفتند و این در حالی است که کارکنان سرسپرده ای را که تا دیروز گزارش اقدامات ما را به ساواک

تحصن خانواده های زندانیان سیاسی کوه دشت

خانواده های سه تن زندانی که در زندان کوه دشت به سر می برند، به منظور اعتراض به محکومیت فرزندانشان، در دادگاه این شهرستان متحصن شدند. از این سه تن زندانی، یکی به اتهام ارتباط با جریان های پاره به سه سال زندان محکوم شده و دو تن دیگر که یکی معلم و دیگری کارگری روستائی است، در جریان حمله پاسداران به دیپلمه های بیکار در خرم آباد، دستگیر و زندانی شده اند.

ذریه تحصن خانواده های سه تن زندانی کوه دشت،

کار مسکن آزادی

نقدی پیرامون مقاله "اکنون میسیم و آنارشیسیم در حرف دشمن یکدیگرند و در عمل دست یکدیگر را می فشارند"

ما در جنبش کمونیستی ایران برعهده دارد. ما وظیفه خود دانستیم مقاله را مجدداً مورد ارزیابی قرار دهیم و اینک ضمن پوزش تاخیری که در این مورد روی داد، حاصل بررسی های خود را با شما در میان می گذاریم.

بر اساس تمایلات و نقطه نظرهای خاص خود این مقاله را مورد ارزیابی و نقد و بررسی قرار داد و بنابه مصالحی که دنبال می کرد، چشم اندازهایی در آن جستجو نمود. بازتاب وسیع این مقاله و تأکیدها و انتقادهایی که بر آن شد موید نقش و مسئولیت بزرگی است که سازمان

انتشار مقاله "اکنون میسیم و آنارشیسیم در حرف دشمن یکدیگرند و در عمل دست یکدیگر را می فشارند" عکس العمل های متفاوتی را برانگیخت. نقدهای متعددی بر آن نوشتند و انتقادهایی نیز به دست ما رسید. هر دسته و گروهی

خرده بورژوازی در آید و رسالت خود را بر این قرار دهد که طبقه کارگر ایران را به مسلخ بورژوازی هدایت کند.

یا کسانی وجود داشته باشند که صرف نظر از مواضع نظری گوناگون با نام مارکسیسم عملاً در کنار لیبرال ها قرار گیرد و اتحاد با آنان را تبلیغ و ترویج کند.

تعبیر آور نخواهد بود اگر به همین سبب کسانی که چیزی جز کابوس فاشیست به خواب نمی بینند و از این توهم که آسمان ایران جولانگاه شیخ وحشتناک ولایت فقیه گشته است به درهم اندیشی دچار شده اند هرگونه حمایت از خرده بورژوازی را در کردار تقبیح کنند و به دشمنی و ستیز با آن برخیزند. و در عمل در کنار سرمایه داران لیبرال یعنی مهمترین پایگاه کنونی امپریالیسم در میهن ما قرار گیرند.

این جریانات که فاقد پایه تودم ای هستند و ریشه ای استوار در قشر روشنفکران خرده بورژوا دارند فارغ از مبارزه طبقاتی سهمگین، کنونی اسیر یافته های ذهنی خویشند.

آنها قادر نیستند مضمون طبقاتی سیاست های خرده بورژوازی را درک کنند. آنها گرایش ارتجاعی و غیردیمکراتیک خرده بورژوازی و برخورد آن را با جنبش کارگری همان مبارزه بورژوازی با نیروهای ترقیخواه و طبقه کارگر می دانند. و به این ترتیب گرایش های ارتجاعی خرده بورژوازی را با ارتجاع بورژوازی یکسان می پندارند. و مرز دوستان و دشمنان انقلاب را محدود می کنند. چه آبهائی که از هراس خیالی فاشیست چشم خود را روی امپریالیسم بسته و در

"حرب نوده" مرحله انقلاب ایران را دیمکراتیک - ملی می شناسد، گروه گوناگون سازمان های گوناگون برداشت های مختلف از انقلاب دیمکراتیک توده ای سخن می رانند و سرانجام طیف هایی وجود دارند که به انقلاب سوسیالیستی معتقدند.

استقلال سیاست های پرولتری نه با نوشتن کلمه "مستقل" در جای خود مشخص می شود و نه با بردن اسم جمهوری. سیاست های پرولتری صرفاً با تعیین دقیق راهی حقیقتاً مستقل مشخص می گردد و این چیزی است که منشویسم ارائه نمی دهد.

"لنین"

به این ترتیب طبیعی است که هر کدام از این دیدگاه ها، به ناگزیر در مورد متحدین طبقه کارگر برداشت و تلقی متفاوت و حتی متضاد داشته باشند. فی المثل زمانیکه "حزب توده" برای خرده بورژوازی رسالت تاریخی رهائی جامعه از سلطه امپریالیسم را امکان پذیر می داند و اعتقاد دارد که خرده بورژوازی می تواند "قلب اجتماعی و مغز اجتماعی" باشد، هیچ چیز تعجب آور و غریبی نخواهد بود اگر از هرگونه اندیشه مستقل و سیاست مستقلی که طبقه کارگر و سازمان های سیاسی طرفدار آن اتحاد نماید، رویگردان باشد.

هیچ چیز تعجب آور و غریبی نخواهد بود اگر جنبش حزبی، کاسه داع تر از آن باشد و با تمام توان خود در خدمت حکم سیاست های

بیکار و تشریح عمیق و تفکر اکنونیستی و آنارشستی "و با تأکید بر حبه های معنی در کنار جنبه های مثبت" و انتقاد از "تحصن بی موقع و طولانی مدت" در حرکت پرولتاریا و روشنفکران انقلابی طرفدار آن را به حمایت از خرده بورژوازی در گیر در مبارزه ضد امپریالیستی و ضد لیبرالی دعوت می کند. بدون این که به روشنی توضیح دهد که این حمایت از چه محتوا و مضمونی باید برخوردار باشد. در نتیجه راه برای برداشت های متفاوت باز گذاشته می شود و خطر اغتشاش فکری و درهم اندیشی را در پی دارد.

ببینیم مارکسیست - لنینیست ها در زمینه حمایت پرولتاریا از متحدین خود چگونه فکر می کنند؟ ببینیم برداشت جریانات سیاسی رنگارنگ اپورتونیستی با این مسئله چگونه است. البته قصداً این نیست که بطور کلی از مسئله سخن گوئیم. چه، در این زمینه کتاب های متعددی انتشار یافته است و ما خوانندگان خود را به این کتاب ها مراجعه می دهیم. در این مقاله کوشش می کنیم که موضع خود و جریانات انحرافی موجود را ارزیابی کنیم.

تشخیص و شناسایی دوستان و دشمنان انقلاب در هر مرحله از تحول جنبش انقلابی خلق در ردیف مسائل کلیدی جنبش کمونیستی است. این که تشخیص دهیم چه کسانی در شرایط کنونی متحدین طبقه کارگرند، برمی گردد به این که تشخیص دهیم جامعه ما در چه مرحله ای از تحول تاریخی - اجتماعی خود قرار دارد. امروز طبق وسیع از نظریات در آن رسد و وجود دارد.

عملی واحدی منجر گردند. در عرصه مبارزه طبقاتی، هر دو این انحراف، به جنبش طبقه کارگر، به شکل طبقه کارگر، شکل گیری سیاست مستقل طبقه کارگر و رشد آگاهی های سوسیالیستی آن زیان های جدی می رساند. هر دو این انحراف در خدمت منافع آبی و آبی بورژوازی و خرده بورژوازی قرار دارد و به تحکیم موقعیت آنان می انجامد.

مقاله "اکنون میسیم و آنارشیسیم"

آنارشیسیم... "می کوشد که پیوند و تبدیل و نتیجه عملی یکسان این گرایشات را در مورد مشخص (تحصن کارگران بیکار در وزارت کار در روز ۲۱ آبان) نشان داده و به کارگران پیشرو بیکار یاری رساند که با آگاهی به این گرایشان در حرکت مزبور آگاهی سیاسی و ایدئولوژیک خود را ارتقاء دادند و انحرافات خرده بورژوازی را از مبارزات خود بزدایند.

مقاله با وجود این که در دستیابی به این هدف موفق است و در نتیجه ای که در پایان مقاله می گیرد (کار ۳۷ صفحه ۳ ستون ۵) بدلیل روشن نکردن چگونگی و کیفیت حمایت پرولتاریا از مبارزه ضد امپریالیستی خرده بورژوازی و نمایندگان سیاسی آن، راه را برای برداشت های اپورتونیستی، چه چپ و چه راست، باز می گذارد. امری که بدان انتقاد جدی وارد است.

مقاله پس از برشمردن خصوصیات و وضعیت کارگران

اکنون میسیم و آنارشیسیم حضور و نبود تمایلات و ایدئولوژی غیر پرولتری در جنبش کمونیستی است. ترکیب جوان و منشا خرده بورژوازی بهش وسیعی از کارگران، عدم آگاهی طبقاتی توده های عظیم کارگران ایران، وضعیت جنبش کمونیستی چه به لحاظ تاریخی و چه به لحاظ مشخص آن و موقعیتی که در شرایط کنونی خرده بورژوازی سنتی در میهن ما از آن

مقاله "اکنون میسیم و آنارشیسیم"

حفاظت مشروط یعنی وقتی خرده بورژوازی علیه دشمن مشترک مبارزه می کند، مورد حمایت پرولتاریا قرار می گیرد، ولی هنگامی که خرده بورژوازی با دشمن مشترک به معاشات می نشیند و یا علیه پرولتاریا وارد عمل می شود، با مخالفت پرولتاریا روبرو می شود.

مقاله "اکنون میسیم و آنارشیسیم"

برخوردار است، زمینه عینی و ذهنی مناسبی برای نفوذ ایدئولوژی غیر پرولتری در جنبش کارگری کمونیستی ایران فراهم می کند. روشنفکران انقلابی هوادار طبقه کارگر که عمدتاً از لایه های بالاتر خرده بورژوازی هستند به نوبه خود حاملین چنین گرایشاتی می باشند. آنها از هر لحاظ مستعد هستند که از روند قانونمند مبارزه طبقاتی روی گردان شوند. از حمله مستعد آند که در برابر حرکات خودانگیخته طبقه کارگرونیز حرکات خودانگیخته ولجام گسیخته روشنفکران سرتسلیم فرود آورند. نمکین به حرکات خودانگیخته یاد شده و جنبه سائسی در مقابل آن که از تمایلات و ریشه طبقاتی واحد منشأ می گیرد اکنون میسیم و آنارشیسیم را شکل می دهد و به اعتبار هم سایی و پیوند دروسی که بین عوامل شکل دهنده این انحرافات وجود دارد، اکنون میسیم و آنارشیسیم قابلیت تبدیل به یکدیگر را می یابند به سبب

مهمین ما ناقص کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد.

آبارتمانهای سرمایه‌داران باید ضطوبه زحمتکشان و آکدار شود

بقیه از صفحه ۱۶

خانه بدو شها خواستار فعالیت

باررگان و شرکا، مثل همه موارد دیگر به شدت با این امر که مبارزه توده را عمیق می‌بخشید به مخالفت برخاستند و هر جا که زحمتکشان خود به تصرف ساختمانها و شهرکهای سرمایه‌داران دست زدند، باررگان و امثال او با بی‌شرمی مردم انقلابی ما را "دزد و قلدرد و ضدانقلاب" خواندند و تلاش کردند، ساختمانها و آپارتمان‌ها را برای سرمایه‌داری حفظ کنند.

اما زحمتکشان میهن ما بر این خواسته خود مثل همه موارد دیگر، سرسختانه پیکار کردند و سرانجام با اوج‌گیری مجدد مبارزات صدامپریالیستی خلق ما در ماه‌های گذشته بسیاری از آپارتمانها، هتلها و ساختمانهای سرمایه‌داران به چنگ سازندگان و صاحبان واقعی آنها یعنی زحمتکشان و راغ‌نشینان افتاد.

لیکن سرمایه‌داران وابسته و محافل و عناصر مدافع آنها این بار نیز به تلاش افتادند تا به هر قیمتی شده ساختمانها و آپارتمانها و هتلهایی را که در جریان سالها استثمار خلق ما به غارت برده‌اند، برای خود محفوظ نگه‌دارند. آنها به هر جنابیتی دست می‌زنند و هر نوع دروغ بی‌شرمانه‌ای را جعل می‌کنند تا منافع خود

را حفظ کنند. یکی از نمونه‌های بارز مبارزه زحمتکشان با سرمایه‌داران بر سر زمینها، ساختمانها و هتلها، مبارزه‌ای است که میان کمیته حجت‌الاسلام حسن کروبی با کمیته مرکزی در گرفته است. حجت‌الاسلام کروبی در مدتی که در جریان مبارزه شهرکها و آپارتمانهای سرمایه‌داران با زحمتکشان همگام بوده مورد حمایت مردم به ویژه کسانی قرار گرفته است که از فعالیت‌های ایشان با اطلاع هستند.

کمیته مرکزی و محافل مدافع سرمایه‌داران بارها اعمال ایشان را "صدانقلابی" اعلام کرده و روحانی مبارز حجت‌الاسلام کروبی را عنصر ماجراجو و ضدانقلابی خوانده‌اند و از او خواسته‌اند دست از اعمال خود بردارند اما از آنجا که ایشان در مبارزه علیه سرمایه‌داران وابسته و مصادره ساختمانها و هتل‌های آنها سرسختی نشان داده است، سرانجام کمیته مرکزی کوشیده است با حمله مسلحانه به کمیته حجت‌الاسلام حسن کروبی از ادامه کار ایشان جلوگیری کرده و با آنها مبارزه ناچوانمردانه‌ای که امروز دیگر برای مردم نازگی ندارد، حجت‌الاسلام کروبی و همکاران او را از میدان بدر کنند، اما مردم قاطعانه خواستار ادامه

کار حجت‌الاسلام حسن کروبی هستند و به جوسی از کم و کیف ماجرا با اطلاع هستند.

مهدوی‌کنی، شهردار تهران و سایر محافل مدافع سرمایه‌داری اعلام داشته‌اند که مردم از دست حجت‌الاسلام کروبی احساس عدم امنیت می‌کنند. ولی زحمتکشان به ویژه آنهایی که از نزدیک با فعالیت‌های حجت‌الاسلام حسن کروبی آشنایی دارند، معنی سخنان شهردار تهران و مهدوی‌کنی و امثال آنها را خیلی خوب درک می‌کنند.

راغ‌نشینان خیلی خوب می‌دانند که مقصود مهدوی‌کنی از مردم همان سرمایه‌داران و صاحبان آپارتمانها هستند، چرا که مردم زحمتکش ما از مصادره هتلها، شهرکها و آپارتمانهای سرمایه‌داران حمایت می‌کنند. برای مردم ما بسیار آموزنده است که می‌بینند، کمیته مرکزی شهردار تهران و محافل سرمایه‌داری و روزنامه‌های طرفدار آنها چگونه به این روحانی مبارز تاختند و ایشان را "صدانقلابی" معرفی کردند. اما امروز زحمتکشان میهن ما دریافته‌اند که صدانقلابی کیست.

گرامی باد یاد

بقیه از صفحه ۱۶

را سازمان می‌داد. فدائی فدائی محمد کاسه‌چی در سال ۵۲ برای ادامه فعالیت‌های انقلابی زندگی محفی را برگزید و بطور حرفه‌ای به مبارزه پرداخت. رفیق فدائی حلیق محمد کاسه‌چی در درگیری‌های سال ۵۵ به شهادت رسید و مکانی نامعلوم برای همیشه خون خفت.

آرامگاه رفیق محمد کاسه‌چی چون مزار صدها فدائی در گلزارهای سرخ ایران آزاد و دمرکراتیک فردا است. جاودان باد پیادراه شهدای بخون خفته خلق

فدائی شهید رفیق محمد کاسه‌چی

رفیق فدائی جعفر پشامی در سال ۱۳۲۹ در یکی از مناطق فقیرنشین قزوین و در خانه‌ای که بیش از پنج خانوار در آن زندگی می‌کردند، به دنیا آمد و از کودکی با فقر آشنا بود. رفیق جعفر پشامی، هنوز دوران دبیرستان را به پایان نیاورده بود که راهی تهران شد و با "جوراب فروشی" مخارج زندگی خود را تامین می‌کرد. زندگی او از همان آغاز با زندگی زحمتکشان شهر پیوند داشت.

رفیق پشامی با رفیق محمد کاسه‌چی از همان آغاز به فعالیت‌های مشترک سیاسی دست زدند. شرکت فعال او در افشاکاری‌های سرمایه‌داران اسرائیل داشت قزوین و نقش فعال و سازماندهی که در اعتصاب شرکت واحد داشت از جمله فعالیت‌های مشترک او با رفیق کاسه‌چی است.

او در تظاهرات سالهای ۴۸ - ۴۶، در جریان تظاهرات برای گرامی بلیط اتوبوس توسط گارد های مزدور شاه به سختی مجروح شد و چندین روز در خانه بستری گردید. رفیق فدائی پشامی، همراه رفیق محمد کاسه‌چی به سازمان پیوست و در درگیری‌های سال ۵۵ به شهادت رسید.

درک زنده و ملموس رفیق جعفر پشامی از توده‌ها و پیوند عمیق او با زحمتکشان، خصوصیات انقلابی و درخشانی او در روی موج شده بود. که لهما بخش رفقای او بوده است. خصوصیات برجسته اخلاقی رفیق آنچنان بارز بود که او را به سرمشق افتخار آفرینی برای رفقا و سازمان تبدیل کرده بود.

یادش گرامی باد

حاجان فرح‌آباد ساکن، فدائی خلق، رفیق حلیق با همان مورد شناسایی قرار گرفت و توسط مردوران ساواک محاصره شد.

او شجاعانه کوشید حلقه محاصره را بشکند و علیرغم اینکه دوتن از مزدوران ساواک را اربای در آورده بود در نبردی نابرابر به شهادت رسید.

یادش گرامی باد

فدائی شهید رفیق اصغر پشامی

فدائی خلق رفیق محمد کاسه‌چی در سال ۱۳۲۹ در قزوین به دنیا آمد. او از دوران دبیرستان در کارگاه تعمیرات ماشین‌کاری کرد و با محیط کارگری آشنایی داشت.

رفیق محمد کاسه‌چی فعالیت‌های انقلابی خود را با اشاعه ادبیات انقلابی در سالهای دبیرستان آغاز کرد. او در شرایط خفقان پلی‌کپی‌ها و کتابهای انقلابی را مخفیانه، دست به دست در سطح نسبتاً وسیع توزیع می‌کرد و در جهت ارتقاء آگاهی سیاسی - ایدئولوژیک رفقا و دوستان خود نقش موثری داشت.

در سال ۴۷ - ۴۶ او فعالیت‌های افشاکرانیه وسیعی را علیه سرمایه‌داران اسرائیلی که در قزوین زیر عنوان "اصلاحات و عمران روستائی داشت قزوین" فعالیت داشتند، شروع کرد. او نقشه‌های صهیونیسم و امپریالیسم را در حیووجه جنگ‌های مصر و اسرائیل افشا و با امکانات محدود آن زمان انتشار می‌داد.

رفیق محمد کاسه‌چی در سال ۴۸ وارد دانشکده مدیریت و علوم اداری دانشگاه تهران شد و به زودی به عنوان سازمانده فعالیت‌های سیاسی و صنفی دانشگاه موقعیتی ممتاز کسب نمود. او در سازماندهی اعتصابات و تظاهرات دانشجویی علیه ورزد نیکسون و شرکت اتوبوسرانی واحد نقش فعالی داشت و به مدت کوناهمی در همین رابطه در بازداشت ساواک بسر برد.

در این دوره، رفیق فدایی محمد کاسه‌چی برای گسترش فعالیت‌های انقلابی خود بطور مجانی در مدارس جنوب تدریس می‌کرد. رفیق بمنظور آشنائی با زندگی توده‌های مردم نقاط مختلف، مسافرت‌های تحقیقاتی گروهی

قانون کار باید با شرکت خود کارگران و توسط نمایندگان آگاه آنها تدوین شود

حق کار برای همه و همه بیکار و برای تمام بیکاران

۸ ساعت کار در هفته برای تمام کارگران

پایه‌ها و حقوق و مزایای برابر برای تمام کارگران

حقوق مساوی برای کارساو و برای زن و مرد

حق اعتصاب کارگران

و باید در قانون کار تصریح شود.

سازمان جنبشهای فدائی‌های ایران

حقوق دموکراتیک مردم باید تضمین شود

نکاتی پیرامون

برنامه و سیاست مجاهدین خلق ...

بقیه از صفحه ۱

آنجا که در شماره ۱۵، قبل تر گفتیم ارائه یک برنامه مترقی و جامع نمی توانست به تنهایی ملاک تأیید نیروهای مترقی از کاندیدای معینی واقع شود و باید حتما سوابق و خط مشی کلی وی نیز دقیقاً ارزیابی شود. در عین حال این بدان معنا نیست که از یک برنامه مبهم، ناقص و بی عقب مانده هم می توان به هوای سوابق درخشان مبارزاتی دفاع کرد و آن را منای وحدت نیروهای مترقی و صدامیریالیست قرار داد.

"حزب توده" برنامه را ملاک همه چیز می گیرد و ما می گوئیم "برنامه درست و اصولی" تنها یک وجه مساله است. در عرصه مبارزه صدامیریالیستی - دمکراتیک گرچه خلاصه کردن شرایط وحدت در توافق روی برنامه مشترک یک "ایده بورژوازی" است، ولی رد لزوم توافق روی برنامه مشترک به عنوان چارچوب هر حرکت سیاسی مشترک حرفی بی معنا و بوج است.

رزمین چمن دانشگاه کاملاً محرز شد که برنامه و سیاست جاری سازمان مجاهدین خلق، ایران و موضع آنان در برابر نیروهای سیاسی مختلف (حاکم و غیر حاکم) دارای نقایصی است که وحدت عمل نیروهای مترقی را عملاً دچار مشکل و حتی بن بست

برنامه مجاهدین خلق از صراحت و روشنی کافیه برخوردار نیست و می تواند توسط نیروهای سیاسی مختلف مورد تفسیرهای گوناگون قرار گیرد و نیروها را جلب کند که عملاً در یک صف قرار ندارند و بنا به ماهیت طبقاتی خود

اگر چنین باشد یوده های ستمکش خلق آن را نخواهند پذیرفت. ما معتقدیم این سرمایه ها که همه از طریق چپاول و غارت مردم زحمتکش میهن ما به دست آمده است، همه این سرمایه ها که حاصل بهره کشی طبقه کارگر است، باید بدون پرداخت هرگونه

هستند در حالیکه تنها نصیب آزادی احزاب و کلیه سازمان های سیاسی و صنعتی و ملی و مردمی به سود مردم است و احزاب سیاسی وابسته به سرمایه داری و امپریالیسم و شبکه های جاسوسی باید در کمال قاطعیت برچیده و سرکوب شوند.

وقتی مجاهدین خلق در برنامه خود ضرورت سرکوب و برچیدن احزاب وابسته به طبقه سرمایه دار را ذکر نمی کنند عملاً و بطور آشکار به جای دفاع از یک دمکراسی مردمی، به دفاع از لیبرالیسم که خواهان آزادی همه احزاب است تن داده اند.

۳- برنامه مجاهدین دو نوع ارتش را توصیه می کند یکی "ارتش مردمی برای دفاع از مرزها و مقابله با تجاوز خارجی" و دیگری ارتش ۲۰ میلیونی خلق برای مقابله با حملات و تهدیدات امپریالیستی. در حالی که مصالح مردم ایران ایجاب می کند که تنها یک ارتش داشته باشیم با هویت و ماهیت توده ای که وظیفه آن فقط دفاع از حاکمیت توده ها، استقلال ملی و تمامیت ارضی در مقابل توطئه های دشمنان داخلی و خارجی حاکمیت توده ها است. این دشمنان عبارتند از امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا. طبقه سرمایه دار که تماماً وابسته به آن است. تشکیل یک ارتش دائمی که وظیفه آن فقط دفاع از مرزها باشد، در حقیقت تشکیل یک ارتش ضد خلقی است. سرمایه داران به بهانه دفاع از مرزها و در حقیقت برای دفاع از منافع خود ارتش دائمی را سازمان می دهند که در مقابل مردم قرار دارد. انقلابیون واقعی برای دفاع از مردم و فقط برای دفاع از حاکمیت مردم به دفاع از مرزهای میهن دمکراتیک خود برخوانند خاست.

وجود این موارد در برنامه مسعود رجوی بیانگر آن است که سازمان مجاهدین خلق ایران با این برنامه پیشروترین نیرو در مبارزه صدامیریالیستی - دمکراتیک نیست، به همین دلیل این برنامه قادر نیست سرمایه داری وابسته را بطور کامل نابود سازد.

ب. سیاست ما وجود نقاط ضعف بقیه در صفحه ۱۵

در برنامه مجاهدین خلق از "ملی کردن" تمام سرمایه های وابسته صحبت می شود و نه از مصادره انقلابی آنها.

مجاهدین خواهان "تضمین آزادی احزاب و کلیه سازمان های سیاسی و صنعتی با هر عقیده و مرام" هستند، در حالیکه تضمین آزادی احزاب و محافل وابسته به طبقه سرمایه دار هرگز به سود مردم ما نیست. تنها تضمین آزادی احزاب و کلیه سازمان های سیاسی و صنعتی و ملی و مترقی، به سود مردم است.

برنامه مجاهدین دو نوع ارتش را توصیه میکند، یکی "ارتش مردمی برای دفاع از مرزها و مقابله با تجاوز خارجی" و دیگری ارتش ۲۰ میلیونی خلق برای مقابله با حملات و تهدیدات امپریالیستی.

غرامتی، به نفع خلق های قهرمان ایران فوراً مصادره شود. تنها با پیش گرفتن یک سیاست قاطع ضد سرمایه داری، با سمت گیری سوسیالیستی است که می توان از زیر سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکائی رها شد. در این راه خلق های

نمی توانند قرارداد داشته باشند. علاوه بر این ابهام در برنامه رجوی به گونه ای است که نشان نمی دهد در ایران چگونه جامعه ای می خواهد برپا دارد. آیا نمونه الجزایر در نظر اوست یا به لیبی نظر دارد یا می خواهد ایران را به راه مصر یا سوریه بکشد؟

می سازد. ما در سطور زیر "برنامه" و "سیاست" جاری سازمان مجاهدین را بررسی خواهیم کرد.

الف: برنامه با یک مقایسه سریع و سطحی هم می توان به وجه تمایز برنامه سازمان چریک های فدائی خلق ایران با برنامه

مجاهدین امروز جهت عمده مبارزه خود را مبارزه با ارتجاع می دانند و می گویند در کنار این مبارزه باید بالیبرال ها هم مبارزه کرد و این از نظر ما خوشترین خط مشی به مزاج لیبرال هاست.

آزاد شده، خلق های کشورهای تحت سلطه امپریالیسم، طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی و به ویژه کشورهای اردوگسگاه سوسیالیستی دوست و پشتیبان ما در این مبارزه محسوب می شوند و این مهم در برنامه مجاهدین از هیچگونه صراحتی برخوردار نیست.

۲- مجاهدین در زمینه حقوق و آزادی های دمکراتیک در حقیقت به سرمایه داران لیبرال و طبقه سرمایه دار ایران امتیاز می دهند. مجاهدین خواهان "تضمین آزادی احزاب و کلیه سازمان های سیاسی و صنعتی با هر عقیده و مرام

هر چند به نمونه ویتنام نیز اظهار علاقه می کند. برنامه مجاهدین خلق چنان خلاصه است که گاهی ابهامات ناشی از اختصار است ولی با کنار گذاشتن این ابهامات در سه مورد مشخص برنامه ارائه شده نقاط ضعفی دارد که رفع آنها مبنای مناسبی را برای وحدت صف نیروهای صدامیریالیست به وجود خواهد آورد. این نکات عبارتند از:

۱- در برنامه مجاهدین خلق از ملی کردن تمام سرمایه های وابسته صحبت می شود و نه از مصادره انقلابی آنها. آیا منظور سازمان مجاهدین پرداخت عرام است

مجاهدین خلق پی برد. این تمایز در اساس ناشی از مواضعی است که هر کدام در عمل نسبت به طبقات اجتماعی معین داریم. لیکن این مانع از آن نیست که بعضی از وجوه تمایز را محصول "برخی ملاحظیات سیاسی" قلمداد کنیم که برنامه را تا حد زیادی از نفس انداخته است. بگونه ای که به جرات می توان گفت چنانچه این نقاط ضعف برطرف نشود، مجاهدین خلق و هر نیروی دیگری که به پشتیبانی از آن برنامه برخیزد، قادر نخواهد بود ایرانی آزاد و دمکراتیک را برای توده های میهن ما تدارک بسند.

رفاه زحمتکشان باید تامین شود

نکاتی پیرامون برنامه و سیاست مجاهدین ...

تصحیح اشتباه و بوزش از خوانندگان

کارکنان ارشد، انگشتر و خودکار طلای دادند. اعمال این شبهه باعث شده بود که اگر کارگری نقص عضو پیدا می کرد و حین کار صدمه می دید، صدایش را در نمی آورد. حتی بسیاری از کارگران از این بابت که این واقعه ممکن است "جایزه ها" رابه عقب بیاورد، ناراحت می شدند.

کارگران که در مصیقه مالی شدید قرار داشتند به علت عدم آگاهی و عدم درک این قانون ضد کارگری و ضد انسانی خود نیز سروصدای آن را بلند نمی کردند. این شبهه سبب می شد که کارگران دست از حمایت رفیق کارگر خود بردارند و اگر کارگر صدمه دیده می خواست ادعای خسارت نماید، تنها مانده و از مزایای درمانی محروم بماند. در عین حال همین مقررات مانع از مقاومت منفی کارگران در مقابل کارفرمایان می شد.

در مقاله "ننگران مبارز حفاری و مبارزات پیگیر آنان علیه شرکت های امپریالیستی در جنوب" - قسمت دوم - "کار" شماره ۴، صفحه ۶، نوشتیم: "کارچاق کن های امپریالیسم در این شرکت ها برای استثمار هر چه بیشتر کارگران از شیوه های گوناگون سرکوب و تفرقه افکنی استفاده می کردند. بعنوان مثال هرگاه کارگری سه ماهه را بدون تصادف یا بیماری کار می کرد، به او کفش و لباس کار داده می شد و در صورت هرگونه حادثه یا بیماری از این "جوایز" محروم می گردید. ولی دیگر کارگران آن را دریافت می کردند ..."

ضمن بوزش از خوانندگان شرح صحیح ترو دقیق تر مطلب فوق را درج می کنیم: "بطور مثال هرگاه در طول سه ماه هیچگونه اتفاقات جانی در پیرونده های کارگران ثبت نمی شد، به آنها پوتین و بهلر سوت (کفش و لباس کار) و به

ارتجاع" است. همان تفسیری است که جبهه دمکراتیک ملی پرچمدار آن است. جالب است که همه احزاب لیبرال هم مدعی اند که پیگار آزادی با ارتجاع، همان پیگار خلق با امپریالیسم است. در حالی که از نظر ما مبارزه با امپریالیسم یعنی مبارزه با سرمایه داری وابسته خواهان اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ... سرمایه داری وابسته هستند. سیاست فعلی سازمان مجاهدین خلق ایران، به ویژه درجائی که علیه جریان های لیبرالی موضع گیری

روابط مدنی با بختیار و خوانین بختیاری رو می شود، تماس های پنهانی او با عوامل "سیا" فاش می شود اما بازم کاندید ریاست جمهوری باقی می ماند. ما باید به توده ها نشان دهیم که چرا فتوای آقای آذری قمی که تا مغز استخوان از منافع سرمایه داران دفاع می کند، بیش از ۳۰ نشریه و روزنامه را تعطیل می کند اما افشاکری "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" در باره روزنامه با مداد بدون پاسخ می ماند و طوری وانمود می شود که اصلاً مسئله ای رخ نداده است. ما به توده ها خواهیم گفت چرا

بقیماز صفحه ۱۴ برنامه مجاهدین خلق را عمدتاً ناشی از سیاست و موضع آنان در برابر صف آرائی کنونی نیروهای دانیم. سیاستهایی که عمدتاً ناشی از اشتباهاتی است که در تشخیص اوضاع و احوال جاری و سمسست و سیاست هر یک از جریان های سیاسی دارند.

مجاهدین امروز جهت عمده مبارزه خود را مبارزه با "ارتجاع" می دانند و می گویند در کنار این مبارزه باید با لیبرال ها هم مبارزه کرد و این از نظر ما خوش تر است. خط مشی به مزاج لیبرال ها است. لیبرال ها به مجریان چنین سیاستی می گویند: بسیار عالی است فعلاً "ارتجاع" را بکوبیم و افشاء کنیم بعد به حساب همدیگر برسیم. این سیاست در عمل بالیبرال ها اتحاد می کند تا دشمن مشترک را که از جانب آنان "ارتجاع" نامیده می شود از پای در آورد. مجاهدین تاکنون دقیقاً توضیح نداده اند منظورشان از "ارتجاع" چیست؟ و کدام جناح از حاکمیت را "ارتجاع" می نامند؟ اما مبارزه آنان با "ارتجاع" مشخصاً از همان زاویه ای است که لیبرال ها مطرح می کنند. و اما ...

اولاً ما مبارزه با سیاست های سرمایه داری وابسته و امپریالیسم را که اکنون عموماً در لباس س لیبرالی مطرح می شوند از همه مهمتر می دانیم زیرا خطر اساسی از جانب آنهاست.

ثانیا معتقدیم روحانیت و احزاب و محافل وابسته به آن از قیام تا امروز سیاست هایی را پیش برده اند که در اغلب موارد به سود سرمایه داران لیبرال که از بعد از قیام پایگاه عمده امپریالیسم به حساب می آیند تمام شده است. از جمله آن سیاست انتخاب بازرگان به نخست وزیری است. ترکیب فعلی شورای انقلاب که همان کابینه بازرگان است و فقط نامش عوض شده که در حقیقت چیزی جز سیاست ابقای کابینه بازرگان نیست و اخیراً حذف مسعود رجوی و انتخابی دیگر کاندیداها به ویژه سید احمد مدنی قابل تأکید است.

ما این سیاست ها را سیاست های مصالحه جویانه و معاشات گرانه با سرمایه داری وابسته می شناسیم و سخت ترین انتقادات را از آن به عمل می آوریم و نادرستی آن را به توده ها نشان داده ایم که بدانند خب

سیاستی که وانمود می کند امروز عرصه پیگار اصلی عرصه پیگار "آزادی با ارتجاع" است، همان تفسیری است که جبهه دمکراتیک ملی پرچمدار آن است.

قالبی باف و کارگرزحمتکش را در تبریز به جرم همکاری با حزب خلق مسلمان اعدام می کنند ولی سران اصلی حزب و مهره های شناخته شده آن که میلیون ها تومان خرج خرید اسلحه برای مزدوران حزب کرده اند آزادانه برای خود می گردند. و قابل توجه است که در سیاست جاری سازمان مجاهدین خلق از این مطالب کمتر چیزی به چشم می خورد علاوه بر این ما با گرایش های غیر دمکراتیک و ضد دمکراتیک روحانیت قشری و احزاب دست راستی مذهبی هم مبارزه خواهیم کرد. باید با اعلامیه پاره کردن ها، با میتینگ به هم زدن ها، با حمله به کتابفروشی ها و از این قبیل هم مقابله کرد تنها لیبرال ها یعنی مشروطه خواهان هستند که شعار عوام فریبانه آزاد بخواهی را وسیله اصلی خود برای دست یافتن به اهداف ضد خلقی شان قرار داده اند.

سخنرانی مسعود رجوی در دانشگاه تهران با مضمون "فلسفه آزادی" چنان مضمون و رنگ و بوی لیبرالی داشت که بی شگفتی بیش از آنچه به فکر توده های باشد که یک عمر از لجام گسیختگی سرمایه داران رنج بردمانند، به مزاج های خوشی آمد که قیام بهمن ماه کاسه کوزه های شان را در هم ریخته است.

سیاستی که وانمود می کند امروز عرصه پیگار اصلی عرصه پیگار "آزادی با

کمک های مالی دریافت شده

ردیف	نام	مبلغ	ردیف	نام	مبلغ
۱	۱
۲	۲
۳	۳
۴	۴
۵	۵
۶	۶
۷	۷
۸	۸
۹	۹
۱۰	۱۰
۱۱	۱۱
۱۲	۱۲
۱۳	۱۳
۱۴	۱۴
۱۵	۱۵
۱۶	۱۶
۱۷	۱۷
۱۸	۱۸
۱۹	۱۹
۲۰	۲۰
۲۱	۲۱
۲۲	۲۲
۲۳	۲۳
۲۴	۲۴
۲۵	۲۵
۲۶	۲۶
۲۷	۲۷
۲۸	۲۸
۲۹	۲۹
۳۰	۳۰
۳۱	۳۱
۳۲	۳۲
۳۳	۳۳
۳۴	۳۴
۳۵	۳۵
۳۶	۳۶
۳۷	۳۷
۳۸	۳۸
۳۹	۳۹
۴۰	۴۰
۴۱	۴۱
۴۲	۴۲
۴۳	۴۳
۴۴	۴۴
۴۵	۴۵
۴۶	۴۶
۴۷	۴۷
۴۸	۴۸
۴۹	۴۹
۵۰	۵۰
۵۱	۵۱
۵۲	۵۲
۵۳	۵۳
۵۴	۵۴
۵۵	۵۵
۵۶	۵۶
۵۷	۵۷
۵۸	۵۸
۵۹	۵۹
۶۰	۶۰
۶۱	۶۱
۶۲	۶۲
۶۳	۶۳
۶۴	۶۴
۶۵	۶۵
۶۶	۶۶
۶۷	۶۷
۶۸	۶۸
۶۹	۶۹
۷۰	۷۰
۷۱	۷۱
۷۲	۷۲
۷۳	۷۳
۷۴	۷۴
۷۵	۷۵
۷۶	۷۶
۷۷	۷۷
۷۸	۷۸
۷۹	۷۹
۸۰	۸۰
۸۱	۸۱
۸۲	۸۲
۸۳	۸۳
۸۴	۸۴
۸۵	۸۵
۸۶	۸۶
۸۷	۸۷
۸۸	۸۸
۸۹	۸۹
۹۰	۹۰
۹۱	۹۱
۹۲	۹۲
۹۳	۹۳
۹۴	۹۴
۹۵	۹۵
۹۶	۹۶
۹۷	۹۷
۹۸	۹۸
۹۹	۹۹
۱۰۰	۱۰۰

گرامی باد یادرفقای شهید

خانه بدو شها خواستار فعالیت کمیته حجت الاسلام کروی

هستند • آبارتمانهای سرمایه داران باید

ضبط و به زحمتکنان و اگذار شود

سرمایه داری وابسته به آن است. بلافاصله پس از قیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اعلام داشت که آبارتمانها، ساختمانها و شهرکهای سرمایه داران باید بی درنگ در اختیار زحمتکنان قرار گیرد. اما بقیه در صفحه ۱۳

مبارزه‌ای که از نخستین روزهای پس از قیام تاکنون بر سر زمینها و ساختمانهای سرمایه داران، میهن زحمتکنان و زاعه نشینان میهن ما از یک طرف و طبقه سرمایه دار ایران از سوی دیگر در جریان بوده و هست گوشه‌ای از پیکار طبقاتی خلق ما علیه امپریالیسم و

حملات عناصر مرتجع و مزدور را علیه

سازمان مجاهدین خلق محکوم می‌کنیم



مجاهد شهید عباس عمادی

بدون تردید این اعمال خود بهترین نشانه زبونی و ورشکستگی عوامل ارنجاع است.

دروغهای گذشته حملات عناصر مرتجع و مزدور به دفاتر و به اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران شدت یافته است. شهادت مجاهد عباس عمادی و حمله به کمیته امداد پزشکی سازمان مجاهدین خلق خود نمونه‌های جدیدی از وحشیگریهای سازمان یافته‌ای است که بدون تردید عوامل امپریالیسم رهبری آن را برعهده دارند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران این اعمال را ضد خلقی محکوم می‌کند.

همه با هم دشمنان خلق را افشا کنید

همه با هم در بزگرداشت

قیام شکوهمند بهمن بکوشیم

مردم مبارز و آناه ایران!

۱- سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در امر مهم افشای و معرفی دشمنان خلق به یاری بی دریغ شما متکی است. لذا در این مورفیت که افشا و معرفی دشمنان خلق برای پیشبرد مبارزه از اهمیتی عظیم برخوردار است، از شما می‌خواهیم که هرگونه سند و مدرکی پیرامون خیانت سرمایه داران و اسبه و دوسان و حاسوسان امپریالیسم جهانی به مرکز دگی امپریالیسم امریکا، در دست دارید، در اسرع وقت برای ما بفرستید

۲- از آنجاکه بزگرداشت قیام شکوهمند حلقهای مهربان میهن ما در رشد و اعتلای آگاهی طبقه کارگر و زحمتکنان از اهمیت فراوانی برخوردار است، و از آنجاکه بزگرداشت و باسنداری از سنت‌های انقلابی مردم میهن ما، وظیفه‌ای است انقلابی که همه ما باید آنرا بدرستی به انجام رسانیم. از شما می‌خواهیم که هر مطلب، سند، عکس، جمع بندی بحارت و خاطراتی که در شناخت این واقعه تاریخی و بزگرداشت، شکوهمند آن به ما ناری رساند در اختیار سازمان قرار دهید.

ما با خات حرف اول نام و کد ارتخات شده توسط شما، از طریق نرسه "کار"، شمار را از رسیدن سند فرستاده شده مطلع می‌سازیم



فدائی شهید رفیق محمدکاسه‌چی



فدائی شهید رفیق اصغر پشامسی



فدائی شهید رفیق فتحعلی پناهیان

فدائی شهید رفیق فتحعلی پناهیان

پس از مدتی کار و اقامت در تهران عازم جنوب کشور شد و در کاخ‌های جنوب به کارگری پرداخت. در سال ۵۱، در ارتباط با سازمان قرار گرفته و به نحو سازمان یافته‌ای به فعالیت‌های انقلابی خود ادامه داد. آموزش‌های سیاسی رفیق، عمدتاً در این دوره صورت گرفت. طی سال‌های ۵۲-۵۱ کمیته

پزشکی را سازمان داد تا رفقائی که در درگیری‌ها آسیب می‌دیدند، از طریق امکانات پزشکی سازمان، مورد مداوا قرار گیرند. رفیق فتحعلی پناهیان، در ماه‌های آخر به عنوان یکی از کادرهای عملیاتی در بخشی که رفیق حمید اشرف مسئول آن بود، فعالیت داشت. سوم بهمن سال ۵۳ در بقیه در صفحه ۱۳

چریک فدائی خلق رفیق فتحعلی پناهیان، ۲۸ شهریور ۱۳۲۹ در شهر تبریز متولد شد. فعالیت‌های سیاسی خود را بطور منظم در سال‌های ۴۹-۵۰ آغاز کرد. از تابستان سال ۴۹ به منظور آشنائی با زندگی کارگران و تماس با محیط‌های کارگری، کارگر ساختمان شد. او



چریک نازک اندام،

تفنگ بدست

ویانکی غول پیکر، سر به زیر

در راه‌اند

آری! شکمی سیرویز

همتراز با قلبی دلیر نتواند شد.

ژانویه ۱۹۶۷

توهو

(بزرگترین شاعر معاصر ویتنام)

یک خلبان هواپیمای ب ۵۲ پس از سقوط بمب افکن و اسیر شدن به دست چریک دختری به نام "کیم لای"

انتصاب:

محمد عرضی، سردسته رابیندگان فرزندان آیت الله طالقانی

و یکی از سرکوبگران خلق ترکمن، به استانداری خوزستان منصوب شد!

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر